

۲ اعتراضات شنیده شد
پژشکیان لایحه پرحاشیه را پس گرفت

۴ غفلت از پژوهش انتقادی
سیدیحیی یثربی فرهنگ

۴ جایی برای مردم
جعفر شیرعلی نیا تماشا

۶ جراحی نمایشی
درباره حذف ۴ صفر از پول ملی توسعه

۷ کوچه

DAEWOO snowa

خاموشی
به اسنوا و دوورسید!

درباره اختلال تلویزیون‌های هوشمند
گروه صنعتی انتخاب

یادداشت روز

بازتعریف روابط با قاهره

چرا بازسازی روابط ایران با مصر
یک ضرورت است؟



قاسم محبعلی

مدیرکل پیشین
خاورمیانه وزارت امورخارجه

روابط ایران و مصر پس از انقلاب به‌ویژه بعد از ترور انور سادات عملاً به نقطه قطع کامل روابط رسمی دو کشور منجر شد. از آن زمان با وجود تماس‌ها و تلاش‌هایی در سطح دیپلماتیک، روابط رسمی میان دو کشور احیا نشد و اختلافات عمدتاً ماهیت نمادین و حیثیتی داشتند که می‌توان به نامگذاری خیابانی با نام خالد اسلامبولی در تهران و موضوع مسجد الرفاعی که محل دفن محمدرضا پهلوی است همچنین انتقادهای مصر نسبت به برخی از رویکردهای منطقه‌ای ایران اشاره کرد.

با تمام این اوصاف باید توجه شود که مصر مهم‌ترین کشور عربی شمال آفریقا به شمار می‌رود و اگرچه شاید در گذشته موقعیت رهبری‌اش در جهان عرب برجسته‌تر بود اما همچنان در مسائل کلیدی مانند صلح خاورمیانه، مناقشه فلسطین و غزه همچنین تعامل با کشورهای غربی نظیر آمریکا و اتحادیه اروپا نقش‌آفرین است. مصر متحد نظامی ایالات متحده محسوب می‌شود و این اتحاد، تأثیر مستقیمی بر ملاحظات قاهره در خصوص رابطه با تهران دارد. از سوی دیگر، مصر در چارچوب جهان عرب با کشورهایی چون عربستان سعودی، امارات و سایر کشورهای خلیج فارس نیز هماهنگی سیاسی قابل توجهی دارد.

با در نظر گرفتن شرایط فعلی، این پرسش مطرح است که در صورت ترمیم روابط، ایران در چه حوزه‌هایی می‌تواند با مصر وارد تعامل شود و آیا چنین تعاملی برای منافع ملی ضروری است یا خیر؟ از لحاظ امنیت منطقه‌ای، اقتصادی و حتی دیپلماتیک، بازسازی روابط با مصر می‌تواند، مزایای قابل توجهی داشته باشد. مصر با جمعیتی بیش از ۱۰۰ میلیون نفر و بازاری رو به رشد، می‌تواند شریک اقتصادی مهمی برای ایران باشد، همان‌گونه که در گذشته نیز زمینه‌هایی مانند سرمایه‌گذاری مشترک و کشتیرانی وجود داشت. یکی از موانع اصلی همواره ملاحظات مصر نسبت به سیاست خارجی ایران به‌ویژه در قبال آمریکا و اسرائیل بوده است. از سوی دیگر مصر به دقت تأثیرات برقراری رابطه با ایران را بر روابط خود با واشنگتن و ریاض بررسی می‌کند و با بهبود نسبی روابط تهران و عربستان، بستر بهتری برای تعامل ایران و مصر فراهم شده است. اما همچنان مساله تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، تنش‌های میان ایران و اسرائیل و نگرانی‌های امنیتی در تحلیل راهبردی مصر نقش ایفا می‌کنند. با این حال، سطح فعلی روابط میان دو کشور محدود به دفتر حافظ منافع است. از زمان دولت هاشمی‌رفسنجانی، تلاش‌هایی در این زمینه صورت گرفته و در دوران آقای خاتمی نیز دیدارهایی در سطح وزرای خارجه دو کشور انجام شد اما هیچ‌کدام به برقراری رابطه رسمی نینجامید و دلیل اصلی، همان عامل‌های نمادین به‌علاوه نگرانی‌های راهبردی مصر نسبت به پیامدهای چنین رابطه‌ای بوده است.

لازم به یادآوری است که قطع روابط میان دو کشور با دستور مستقیم امام خمینی (ره) و در واکنش به پیمان کمپ‌دیوید صورت گرفت. بنابراین هرگونه احیای رابطه از منظر تشریفاتی و دیپلماتیک نیازمند ابتکار عمل از سوی ایران است. از آنجا که این قطع رابطه از جانب ایران انجام شده، انتظار می‌رود اعلام بازگشت رسمی به روابط نیز از سوی ایران صورت گیرد.

ادامه در صفحه ۳

اولتیماتوم به روسیه

دونالد ترامپ ضرب‌الاجل ۵۰ روزه به **ولادیمیر پوتین** درباره پایان دادن به جنگ با اوکراین را به ۱۰ روز کاهش داد و مسکورا به اعمال تحریم‌های بیشتر تهدید کرد



فرشاد گلزاری

گروه بین‌الملل

بسیاری از تحلیل‌گران و ناظران بین‌المللی زمانی که دونالد ترامپ برای دومین بار پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری نوامبر ۲۰۲۴ وارد کاخ سفید شد بر این باور بودند که او بدون شک این بار هم مانند دولت اول خود رفتار خواهد کرد. این بدان معنا بود که در اتمسفر سیاسی ایالات متحده (به‌خصوص در فضای عمومی و بعضاً رسانه‌ای) این مفهوم دهان به دهان می‌چرخید که ترامپ همان رویه سابق را تکرار می‌کند اما نکته اینجا بود که تحولات حاکم بر نظام بین‌الملل با آن روزهایی که ترامپ در دور اول دولتش بر سر قدرت بود کاملاً متفاوت بود. زمانی که او در کمپین‌های خود بارها و بارها بر ختم جنگ در اوکراین تأکید می‌کرد بسیاری از نخبگان، پژوهشگران حاضر در اندیشکده‌ها و حتی مقامات سابق ایالات متحده (اعم از دموکرات و جمهوری‌خواه) این اظهارات وی را زیر‌دره‌بین انتقاد بردند و به صورت واضح اعلام کردند که نمی‌توان منازعه اوکراین را به این راحتی و آنگونه که ترامپ و تیمش می‌گویند حل‌وفصل کرد؛ چراکه طول و عرض همچنین عمق این جنگ روزبه‌روز در حال تغییر است و روس‌ها هم به کمتر از تثبیت مواضع خود در شرق اوکراین رضایت نمی‌دهند.

البته در این راستا پرونده‌های دیگری مانند تقابل تعرفه‌ای با چین و اروپا هم از سوی ترامپ در کمپین‌های انتخاباتی‌اش مطرح شد اما واقعیت ماجرا این است که موضوع جنگ اوکراین به‌خصوص متغیرهای موجود در آن از حیث سیاسی، امنیتی، اقتصادی و حتی نیروی انسانی و دخیل شدن عوامل مختلف در آن، موانع و منافع متضادی را به وجود آورده است.

ادامه در صفحه ۳

پارلمان

لایحه ساماندهی پرنده‌های هدایت‌پذیر

سخنگوی شورای نگهبان در گزارش خود، ابهامات و ایرادات شورای نگهبان نسبت به این لایحه را تشریح کرد

هادی طحان‌نظیف، سخنگوی شورای نگهبان در صدوسومین گزارش خود به مردم که در کانال شخصی‌اش در پیام‌رسان «بله» منتشر شد به بررسی لایحه «ساماندهی پرنده‌های هدایت‌پذیر از راه دور (پهباد) غیرنظامی» پرداخت و به تشریح ابهامات و ایرادات این شورا نسبت به لایحه مذکور پرداخت.

طبق گزارش منتشر شده، شورای نگهبان چندین اشکال اساسی به این لایحه وارد کرده است. نخستین ایراد به ماده (۴) بازمی‌گردد. در این ماده تنها شرایط اخذ مجوز برای تولید «صنعتی» پهپادها پیش‌بینی شده است، در حالی که تبصره (۴) همان ماده به طور مطلق «ساخت و تولید پهپاد بدون مجوز» را جرم‌انگاری کرده است. این امر موجب ابهام در وضعیت قانونی ساخت پهپادهای تحقیقاتی دانشگاه‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان شده که در سال‌های اخیر فعالیت‌های متداولی در این حوزه داشته‌اند. شورای نگهبان عدم قاعده‌گذاری برای تولید غیرصنعتی را مغایر بند «۱۰» اصل سوم قانون اساسی مبنی بر ایجاد نظام اداری صحیح دانسته است.

در ادامه، شورای نگهبان به تبصره (۵) ماده (۴) و ماده (۹) ایراد گرفته و اطلاق تفویض بدون ضابطه تصویب مصوبات مختلف به کارگروه پهپادهای غیرنظامی را مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی تشخیص داده است؛ چراکه قانونگذاری از صلاحیت‌های انحصاری مجلس شورای اسلامی است و نمی‌توان این اختیار را بدون ضابطه به کارگروه‌ها تفویض کرد. ایرادات شرعی و مغایرت با حقوق شهروندان نیز بخش دیگری از ایرادات شورای نگهبان است. در ماده (۵) واردات غیرمجاز پهپاد ممنوع شده و مجازات یکسانی برای تمام تخلفات در نظر گرفته شده است. شورای نگهبان اطلاق این حکم را نسبت به مواردی که تفاوت‌های زیادی از نظر کمیت و کیفیت دارند، خلاف شرع دانسته است. به عنوان مثال، شخصی که یک قطعه کم‌ارزش را قاچاق کرده است با فردی که واردات سازمان‌یافته پهپاد انجام می‌دهد، مجازات یکسانی دریافت می‌کند و این امر از نظر فقهی شورای نگهبان مغایر موازین شرعی است.

همچنین در تبصره (۲) ماده (۱۲) وزارت دفاع مکلف شده است، بهای پهپادهای خریداری شده را «حداکثر تا ۳ ماه» پرداخت کند. شورای نگهبان تأخیر در ادای حقوق مردم را، در شرایطی که امکان پرداخت زودتر وجود دارد، خلاف شرع دانسته است.

بخش دیگری از ایرادات شورای نگهبان به ابهامات موجود در برخی مفاهیم و تعاریف مربوط می‌شود. برای نمونه در ماده (۱۳) که پرواز غیرمجاز پهپاد را جرم‌انگاری کرده، ذکر شده که «ارتکاب این جرم در زمان جنگ یا وضعیت امنیتی مستوجب حداکثر مجازات خواهد بود». شورای نگهبان «وضعیت امنیتی» را واژه‌ای مبهم دانسته زیرا نه تعریفی برای آن ارائه شده و نه مرجع مسئول اعلام چنین وضعیتی مشخص گردیده است. چالش‌های اجرایی و مشکلات عملی نیز در لایحه مشهود است. به عنوان مثال در تبصره (۱۱) ماده (۱۲) مهلت ۳ ماهه‌ای برای درخواست سند مالکیت با ارائه «اسناد مثبته» تعیین شده است. شورای نگهبان این حکم را از سه جهت دارای ابهام دانسته است: نخست، وضعیت کسانی که فاقد اسناد مثبته هستند، مشخص نشده است؛ دوم، برای مواردی که افراد به دلیل اعدار موجه قانونی یا شرعی همچون بیماری، مسافرت اجباری یا موانع طبیعی نمی‌توانند در مهلت مقرر اقدام کنند، تکلیفی تعیین نشده است؛ و سوم، مشخص نشده تکلیف افرادی که در مهلت مقرر درخواست داده‌اند اما فراجا سند مالکیت را صادر نکرده است، چیست.

مجموع ایرادات شورای نگهبان نشان می‌دهد که این لایحه، با وجود اهمیت موضوع و ضرورت تنظیم‌گری در حوزه پهپادهای غیرنظامی، نیازمند اصلاحاتی جدی است. به باور شورا، رفع این اشکالات می‌تواند، مانع بروز مشکلات حقوقی و اجرایی در آینده شود و در عین حال حقوق شهروندان را نیز صیانت نماید. در پایان گزارش طحان‌نظیف تأکید شده است که اصلاح و تکمیل این لایحه نه تنها زمینه‌ساز توسعه صنعت پهپادهای غیرنظامی در کشور خواهد بود بلکه می‌تواند به ارتقای امنیت و حل مسائل مرتبط با این حوزه کمک کند. شورای نگهبان خواستار آن است که مجلس با دقت و در نظر گرفتن ایرادات مطرح شده، نسبت به اصلاح لایحه اقدام کند تا هم اهداف امنیتی محقق شود و هم حقوق عمومی جامعه مورد توجه قرار گیرد.

اعتراضات شنیده شد

دولت به دستور پزشکيان لايحه پرحاشيه را پس گرفت



دولت باید بابت ورود به حوزه‌ای که در تضاد با حقوق اساسی مردم است، پاسخگو باشد. او این اقدام را عقب‌نشینی از یک خطای حقوقی و سیاسی دانست و تأکید کرد که دولت باید از تکرار چنین رویکردهایی پرهیز کند.

در همین حال، سیدعزت‌الله ضرغامی، وزیر سابق و عضو فعلی دولت، در تویییتی ابهام‌برانگیز نوشت: «با دو فوریت لایحه می‌دهیم، با سه فوریت پس می‌گیریم. چرا می‌خندی؟» این واکنش کتابه‌آمیز، بازتاب گسترده‌ای در شبکه‌های اجتماعی پیدا کرد و بسیاری آن را نشانه‌ای از چنددستگی در درون دولت تعبیر کردند.

در عین حال تصمیم دولت برای استرداد لایحه فضای مجازی، اگرچه در نگاه نخست اقدامی در راستای احترام به حقوق ملت تلقی می‌شود اما تحلیلگران معتقدند که این موضوع تنها یکی از حلقه‌های زنجیره‌ای از فشارها و اختلافات میان دولت و مجلس است. طی ماه‌های اخیر، دولت چهاردهم بارها در برابر طرح‌ها و خواسته‌های بخش‌هایی از مجلس قرار گرفته است. از تلاش برای تصویب لوایح محدودکننده گرفته تا فشار برای تغییرات گسترده در کابینه.

این اختلافات در شرایطی رخ می‌دهد که کشور با چالش‌های متعدد اقتصادی، اجتماعی و بین‌المللی روبه‌روست و هرگونه تنش سیاسی می‌تواند پیامدهای جدی برای ثبات و کارآمدی دولت به همراه داشته باشد. با این حال، حامیان دولت امیدوارند که تصمیم اخیر بتواند به عنوان نقطه عطفی در بازتعریف رابطه دولت و مردم عمل کند و اعتماد از دست رفته میان حاکمیت و جامعه را تا حدی ترمیم کند.

از سوی دیگر، منتقدان معتقدند که دولت پزشک‌یان باید فراتر از بازپس‌گیری یک لایحه، رویکرد خود را در قبال آزادی‌های مدنی و حقوق شهروندی شفاف‌تر کند. آنها هشدار می‌دهند که تکرار اقداماتی مشابه می‌تواند، اعتماد عمومی را بیش از پیش تضعیف کند و هزینه‌های سیاسی سنگینی برای دولت به همراه داشته باشد.

در مجموع، استرداد لایحه فضای مجازی هرچند در کوتاه‌مدت موجب آرامش بخشی از افکار عمومی شده اما نشانه‌ای از چالش‌های عمیق‌تری در عرصه حکمرانی است. پرسش کلیدی اینجاست که آیا دولت چهاردهم می‌تواند با اتخاذ رویکردی مبتنی بر گفت‌وگو و اجماع‌سازی بر فشارهای سیاسی فائق آید یا خیر؟ و آیا مجلس در پس دادن این لایحه کمکی به قوه مجریه خواهد کرد یا خیر. پاسخ به این پرسش در ماه‌های آینده و در مواجهه با موضوعات مشابه روشن خواهد شد.

در سوی دیگر، امیرحسین ثابتی، نماینده مجلس و از نزدیکان سعید جلیلی نیز به روایل همیشگی گوشه‌ای دیگر از کار را در انتقاد به دولت پرداخت و مدعی شد که دستگاه دیپلماسی در برابر «اتهام‌زنی به شهدا» و «بی‌اعتنایی به مصوبات مجلس» مامشات می‌کند. او خطاب به عباس عراقچی، وزیر امور خارجه، گفت: «اگر می‌خواهید مذاکرات شما مثل پرجام باعث افزایش تحریم‌ها یا مثل مذاکرات عمان باعث جنگ نشود باید با دست پر مذاکره کنید». این اظهارات و فشارهای سیاسی، نشانه روشنی از اختلافات عمیق میان دولت و بخشی از جریان تدروی مجلس است. اختلافاتی که به گفته تحلیلگران می‌تواند، روند تصمیم‌گیری در موضوعات کلان کشور را پیچیده‌تر کند و بیشتر شبیه به یک تسو به‌حساب سیاسی است که گویا تسویه هم نمی‌شود!

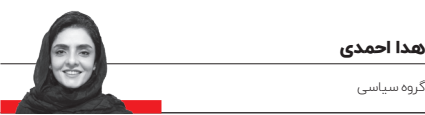
واکنش جامعه و فعالان سیاسی؛ از تقدیر تا انتقاد تند

در مقابل مواضع تدروها، بازپس‌گیری لایحه فضای مجازی با استقبال بخش بزرگی از فعالان سیاسی و اجتماعی مواجه شد. احمد زبیدآبادی، تحلیلگر سیاسی در یادداشتی در کانال تلگرامی خود نوشت: «آنکه به اشتباه خود اعتراف می‌کند و از آن بازمی‌گردد، در ادبیات دینی اهل انابه و توبه است. خداوند بازگشت‌کنندگان را دوست دارد. از این جهت، استرداد لایحه مقابله با محتوای خلاف واقع در فضای مجازی را باید به آقای پزشک‌یان و همکارانش تبریک گفت». او تأکید کرد که بازگشت از یک تصمیم نادرست حتی ارزشمندتر از اتخاذ تصمیم درست است؛ زیرا مستبدان نیز ممکن است تصمیمات درستی بگیرند اما نمی‌توانند از تصمیمات غلط خود بازگردند.

محسن برهانی، حقوقدان شناخته‌شده نیز در واکنش به این خبر نوشت: «فرق می‌کند چه کسی رئیس جمهور باشد!» و این اقدام را نشانه‌ای از تفاوت رویکرد دولت پزشک‌یان نسبت به دولت‌های پیشین دانست.

آذر منصوری، رئیس جبهه اصلاحات ایران، تصمیم دولت را «قابل تقدیر» و «گامی رو به جلو در مسیر احترام به حقوق ملت» توصیف کرد. او معتقد است که این اقدام می‌تواند به تقویت اعتماد عمومی نسبت به دولت کمک کند.

اما همه فعالان سیاسی این موضوع را وظیفه می‌دانند و نشانی از بلوغ سیاسی اعلام نمی‌کنند. ابراهیم اصغرزاده، فعال سیاسی اصلاح‌طلب با صراحت اعلام کرد که استرداد لایحه تشکر ندارد و



هدا احمدی

گروه سیاسی

دولت چهاردهم، لایحه جنجالی «مقابله با محتوای خلاف واقع در فضای مجازی» را پس گرفت؛ تصمیمی که به‌گفته سخنگوی دولت با تأکید رئیس‌جمهور بر شنیدن صدای مردم و کارشناسان اتخاذ شده است. این اقدام، اگرچه با استقبال بخش بزرگی از افکار عمومی و فعالان سیاسی روبه‌رو شد؛ اما واکنش‌های تند جریان‌های افراطی در مجلس را نیز به همراه داشت و بار دیگر شکاف‌های سیاسی، میان دولت و مخالفانش در بهارستان را نمایان کرد.

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت روز گذشته اعلام کرد که این لایحه در جلسه هیات دولت پس گرفته شده و رئیس‌جمهور پزشک‌یان همچنان بر شنیدن صدای مردم و کارشناسان اصرار دارد. به گفته او، این اقدام در راستای احترام به خواست عمومی انجام شده و دولت قصد دارد، مسیر تصمیم‌گیری‌های خود را با مشارکت و نظرات نخبگان همسو کند. با این‌حال بسیاری از صاحب‌نظران سیاسی معتقدند که اساساً تصویب چنین لایحه‌ای از ابتدا اقدامی نادرست بوده و دولت پزشک‌یان تنها به وظیفه قانونی خود عمل کرده و حق مردم را بازگردانده است. از نگاه این منتقدان، بازگرداندن ابتدایی‌ترین حقوق شهروندی لطف نیست بلکه بخشی از وظایف بدیهی هر دولتی است.

از سوی دیگر، مجلس دوازدهم نیز دریافت نامه استرداد لایحه را تأیید کرد. علی نیکزاد، نایب‌رئیس مجلس رسماً خبر داد که نامه دولت برای پس گرفتن «لایحه مقابله با محتوای خلاف واقع در فضای مجازی» به مجلس رسیده است. این موضوع اما چندان به مذاق نمایندگان تدررو خوش نیامد. همان گروهی که از آغاز تشکیل دولت چهاردهم با ابزارهای گوناگون تلاش کرده‌اند، کارآمدی دولت را زیر سؤال ببرند.

از لایحه تا فشارهای سیاسی

واکنش مخالفان دولت در مجلس به این تصمیم دولت کاملاً قابل پیش‌بینی بود. از همان ابتدای روی کار آمدن دولت پزشک‌یان، طیفی از نمایندگان اصولگرا تلاش کرده‌اند با استیضاح‌های زودهنگام وزرا، فراخوان‌های مکرر مسئولان دولت به بهارستان و حمله‌های رسانه‌ای علیه چهره‌هایی مانند محمدجواد ظریف، فضای سیاسی را برای دولت دشوار کنند. دخالت در انتصابات دولتی، فشار بر رئیس‌جمهور برای اتخاذ رویکردهای تدرروانه در حوزه سیاست خارجی و حمایت از لوایح محدودکننده‌ای چون لایحه حجاب، بخشی از همین راهبرد بوده است.

نمونه‌ای تازه از این فشارها روز گذشته در صحن علنی مجلس رخ داد. حمید رسایی، نماینده نزدیک به جبهه پایداری، با دفاع از لایحه قوه قضائیه درباره فضای مجازی، خطاب به دولت گفت: «دولت نمی‌تواند از ارسال لایحه قوه قضائیه ممانعت کند و باید مصلحت عمومی جامعه را بر همه امور ترجیح دهد.» این اظهارات در حالی مطرح شد که دولت عملاً لایحه مورد بحث را از مجلس بازپس گرفته بود.

مالک شریعتی، نماینده تهران و دیگر چهره نزدیک به همین جریان نیز با طرح تذکری از اعلام وصول نشدن برخی طرح‌های نمایندگان انتقاد کرد. او مدعی شد که هیات‌رئیسه مجلس در محتوای طرح‌ها دخالت کرده و هشدار داد که در صورت تداوم این روند به کمیسیون اصل ۹۰ و هیات نظارت بر رفتار نمایندگان شکایت خواهد کرد.

جامعه

ادعای «دستکاری مصوبه گشت ارشاد»

ابراهیم سوزنچی، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، در یک برنامه تلویزیونی مدعی شد که مصوبه این شورا درباره حذف مواجهه حضوری با بی‌حجاب‌ها در سال ۱۴۰۱ دستکاری شده و همین موضوع زمینه‌ساز حوادث آن سال شد. او گفت حتی شهید رئیسی از این تغییرات خبر نداشته است. در مقابل، حجت‌الاسلام خسروپناه، دبیر شورا، این ادعا را مربوط به دوره قبل از مسئولیت خود دانست و تأکید کرد گزارش سوزنچی «ناقص و نادقیق» بوده است. به گزارش جماران، حجت الاسلام و المسلمین عبدالحسین خسروپناه درباره ادعای یکی از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی مبنی بر تغییر مصوبه این شورا در خصوص گشت ارشاد در سال ۱۴۰۱ با بیان اینکه «گزارش یکی از اعضای شورا

در این خصوص اولاً مربوط به دوره قبل از بنده بوده» گفت: با پیگیری‌های انجام شده مشخص شد گزارش از مصوبه محرمانه (در آن زمان مصوبه محرمانه بوده) توسط عضو محترم شورا ناقص و نادقیق بوده است.

این سخنان درحالی است که ابراهیم سوزنچی، عضو شورای انقلاب فرهنگی به این خبرگزاری گفته بود: در یک مصوبه که شورای عالی انقلاب داشت، یک دستکاری صورت گرفت که باعث شد آن اتفاقات رقم بخورد.

وی افزود: در یک تصمیم، به این جمع‌بندی که رسیدیم که هرگونه مواجهه حضوری با بی‌حجاب‌ها باید حذف شود. حال می‌خواهد گشت ارشاد باشد یا هر چیز دیگری. عواملی که

نمی‌دانیم [چه کسانی هستند] و حتی شهید رئیسی هم گفت که من هم خبر نداشتم، به جای تصمیم ما چیزی را ابلاغ کردند که نه تنها گشت باید تقویت شود و کارش را ادامه دهد، بلکه نیروی انتظامی باید آموزش هم بدهد. آن بنده خدا [مهسا امینی] کجا برایش این اتفاق افتاد؟ در کلاس‌های آموزشی نیروی انتظامی که پیش از آن مصوبه اصلا آموزش نداشت.

او تصریح کرد: چنین چیزی باعث شد اتفاقات ۱۴۰۱ رخ دهد. این مورد از مصادیق دستکاری در ابلاغ به شمار می‌رود. کاملاً واضح بود و نهادهای امنیتی هم ورود کردند. آخر هم مشخص نشد دستکاری در کدام مرحله اتفاق افتاده؛ اتفاق افتادن این موضوع از جنس «نفوذ» بود.

ویتکاف در اسرائیل

چرا بحران انسانی غزه باعث سفر یکباره فرستاده ویژه ترامپ به تل‌آویو شد؟

گروه بین‌الملل: وضعیت انسانی در غزه این روزها زیر ذره‌بین نقد کشورهای منطقه، نهادهای بین‌المللی و حتی اروپایی‌ها قرار دارد و این به منزله به وقوع پیوستن نوعی از بحران سیاسی برای اسرائیل و ایالات متحده به عنوان اصلی‌ترین متحد نتانیاهو است. در این راستا آکسیوس اعلام کرد که استیو ویتکاف، فرستاده ویژه دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا در پی بحران غزه و شکست مذاکرات آتش‌بس (چهارشنبه) برای دیدار با مقامات اسرائیل به تل‌آویو سفر کرده است.

این اولین سفر ویتکاف به اسرائیل در تقریباً ۳ ماه گذشته است که در بوجوه بن‌بست در مذاکرات آتش‌بس غزه و بحران انسانی فاجعه‌بار در غزه صورت می‌گیرد. یک مقام آمریکایی گفت که ویتکاف همچنین ممکن است به غزه سفر و از مرکز آمریکایی- اسرائیلی موسوم کمک‌رسانی بنیاد بشردوستانه غزه (GHF) بازدید کند. یک مقام آمریکایی دیگر هم بدون اشاره به حمایت‌های همه‌جانبه واشنگتن از اسرائیل و مسلح کردن این رژیم در جنگ علیه مردم بی‌گناه غزه مدعی شد: «رئیس‌جمهور ترامپ می‌خواهد درباره وضعیت انسانی غزه بیشتر اطلاعات کسب کند تا بداند چگونه می‌تواند،

کمک‌های بیشتری به غیرنظامیان غزه برساند». پیش از این، نخست‌وزیر اسرائیل به رغم انتقادهای جهانی و اذعان همه نهادهای بین‌المللی به وجود گرسنگی در نوار غزه مدعی شده بود که در غزه هیچ‌گونه گرسنگی وجود ندارد و هیچ سیاست تحمیل گرسنگی به غزه وجود ندارد و من به شما اطمینان می‌دهم که ما تعهد به دستیابی به اهدافمان در جنگ داریم. ما به جنگیدن تا زمانی که گروهان‌هایمان را آزاد کنیم و توانمندی‌های حاکمیتی و نظامی حماس را از بین ببریم ادامه خواهیم داد. آنها دیگر نباید آنجا باشند.

فاجعه قحطی در غزه

این سفر در حالی انجام می‌شود که سیستم طبقه‌بندی یکپارچه مراحل امنیت غذایی (IPC) که یک سیستم جهانی نظارت بر گرسنگی است، هشدار داد که بدترین سناریوی قحطی در حال حاضر در غزه در بوجوه تشدید درگیری‌ها، آوارگی و کاهش دسترسی به غذا در حال وقوع است. سیستم طبقه‌بندی یکپارچه سطح امنیت غذایی (IPC) در گزارش جدیدی اعلام کرد که شواهد فزاینده نشان می‌دهد که

خزانه‌داری آمریکا در این خصوص به خبرنگاران گفت که موضوع تحریم‌های ثانویه را طی دو روز گفت‌وگوی دوجانبه با مقامات چینی مطرح کرده و هشدار داده که اگر چین همچنان به خرید نفت از روسیه ادامه دهد با تعرفه‌های سنگینی از سوی آمریکا روبرو خواهد شد.

هشدار مسکو- استقبال کی‌یف

این اظهارات ترامپ دو موافق و مخالف ذاتی یعنی اوکراین و روسیه دارد که هر دو به آن واکنش نشان دادند. ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهوری اوکراین از مواضع جدید ترامپ استقبال کرد و گفت که صلح زمانی به دست می‌آید که قدرت داشته باشیم. اوکراین مثل همیشه آماده همکاری کامل با آمریکا و رئیس‌جمهور ترامپ است این جنگ را به روشی شرافتمندانه و پایدار تمام کنیم. در مقابل دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین در واکنش به سخنان ترامپ و تیم او که روسیه را به تحریم‌های بیشتر تهدید کرده‌اند، اعلام کرد که ما مدت زیادی است در شرایط تحریم‌های زیاد زندگی می‌کنیم، اقتصاد ما در حال کار است و در حال حاضر، مصونیت خاصی در برابر تحریم ایجاد کرده‌ام. پسکوف همچنین گفت که ما همچنان تمام سخنان دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا و دیگر سیاستمداران بین‌المللی در این باره را ثبت می‌کنیم. وی او تصریح کرد که کرملین اظهارات جدید ترامپ در مورد تهدید به تحریم‌های بیشتر را در نظر می‌گیرد و فعلاً قصد ندارد، توضیحات بیشتری ارائه کند.

همچنین دمیتری مدودف، رئیس‌جمهور پیشین روسیه و از متحدان نزدیک پوتین، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت که ترامپ در حال «بازی با اولتیماتوم‌ها» است که می‌تواند به جنگی ختم شود که پای آمریکا نیز به آن باز شود.

شوک اقتصادی به مسکو

اظهارات ترامپ علیه روسیه در حالی مطرح می‌شود که ترامپ چند روز پیش و در دیدار با اورسولا فون‌درلاین، رئیس کمیسیون اروپا اعلام کرد که اتحادیه اروپا موافقت کرده است تا حدود ۷۵۰ میلیارد دلار انرژي از آمریکا خریداری کرده و

باید دید قاهره در عمل چه واکنشی نشان می‌دهد.

به‌طور کلی، داشتن روابط عادی با کشوری مانند مصر در دنیای امروز، از منظر سیاسی و بین‌المللی یک ضرورت است. مصر همچنان کشوری کلیدی در تحولات جهان عرب محسوب می‌شود و نداشتن رابطه با آن، شکافی جدی در دیپلماسی منطقه‌ای ایران محسوب می‌شود. این رابطه می‌تواند در سطوح مختلف از جمله اقتصادی، توریستی و فرهنگی مفید باشد همچنین به ایران کمک کند تا در توازن‌سازی روابط خود در جهان عرب، گام مؤثری بردارد.

در حال حاضر، روابط ایران با جهان عرب عمدتاً به کشورهای حوزه خلیج فارس و عراق محدود شده است. در



گرسنگی گسترده، سوء تغذیه و بیماری در غزه باعث افزایش مرگ و میر ناشی از گرسنگی می‌شود. آخرین داده‌ها نشان می‌دهد که آستانه قحطی برای مصرف غذا در بیشتر نوار غزه و برای سوء تغذیه حاد در شهر غزه ایجاد شده است.

همزمان کارشناسان سازمان ملل متحد هم (سه‌شنبه به وقت محلی) اعلام کردند که اسرائیل عمداً دسترسی مردم غزه را به آب آشامیدنی سالم قطع کرده و با محکوم کردن تشنگی و گرسنگی عمدی فلسطینیان هشدار دادند که استفاده از تشنگی به‌عنوان سلاح برای کشتن فلسطینیان، نقض قوانین بین‌المللی است. کارشناسان سازمان ملل اعلام کردند که اسرائیل از تشنگی به عنوان سلاحی برای کشتن فلسطینیان

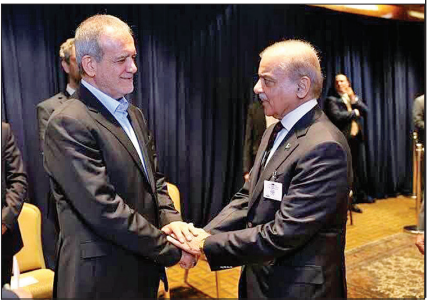
خاورمیانه

سفر به پاکستان

رئیس‌جمهور پزشکیان شنبه به اسلام‌آباد می‌رود

مهدی سنایی، معاون سیاسی دفتر رئیس‌جمهور در حساب‌کاری خود در شبکه اجتماعی ایکس اعلام کرد که دکتر پزشکیان عصر شنبه ۱۱ مرداد به دعوت آقای شهباز شریف به پاکستان می‌رود و دیدارهای رسمی و گفت‌وگو بانخبگان فرهنگی و تجاری در برنامه است. روابط دوکشور دارای ابعاد سیاسی، اقتصادی، دینی و فرهنگی است و توسعه همکاری‌های استانی و مرزی و ارتقای مبادلات از ۳ میلیارد دلار کنونی از اهداف سفر است.

این در حالی است که اخیراً نشست اندیشکده‌ای ایران و پاکستان با محوریت تحولات منطقه‌ای و سفر آتی رئیس‌جمهوری اسلامی ایران به پاکستان به صورت برخط (آنلاین) با حضور مسئولان و پژوهشگران موسسه مطالعات راهبردی اسلام‌آباد (ISSI) و موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (IRAS) برگزار شد. سهیل محمود مدیرکل موسسه مطالعات راهبردی اسلام‌آباد، خالد محمود رئیس هیات مدیره این موسسه و سفیر اسبق پاکستان در تهران، سیدرسول موسوی مدیرکل سابق آسیای جنوبی وزارت امور خارجه ایران، سمیه مروتی محقق ارشد و رئیس گروه آسیای جنوبی، مرکز تحقیقات علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه در تهران و رفعت مسعود سفیر سابق پاکستان در تهران در این برنامه مجازی حضور یافته و دیدگاه خود را پیرامون آخرین تحولات روابط دوجانبه، سفر قریب‌الوقوع رئیس‌جمهور پزشکیان به پاکستان و اوضاع منطقه تشریح کردند. شرکت‌کنندگان بر اهمیت روابط ایران و پاکستان که ریشه در تاریخ، جغرافیا و همگرایی مشترک در طیف وسیعی از مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی دارد، تأکید کردند و تلاش‌های مشترک برای ثبات منطقه‌ای، مبارزه با تروریسم و به اشتراک‌گذاری اطلاعات در راستای بهبود همکاری‌های نهادی بین دو کشور را خواستار شدند.



۶۰۰ میلیارد دلار بیشتر از سرمایه‌گذاری کنونی در این کشور سرمایه‌گذاری کند و نیز شامل خرید تجهیزات نظامی زیاد است. او همچنین گفت که تعرفه‌ها برای خودروها و هر کالای دیگری ۱۵ درصدی خواهد بود و صادرکنندگان آمریکایی از تجارت همه کشورهای اروپایی بهر‌مند خواهند شد.

باید توجه شود که ترامپ دیگر اروپا را مجبور به خرید نفت از ایالات متحده کرده و همین موضوع باعث شکایت و ناراحتی روسیه از بروکسل شده است و حالا هم مهلت ۱۰ روزه ترامپ به مسکو این روند را به ضرر اقتصاد روسیه رقم خواهد زد. در این میان رویترز ساعاتی پس از ضرب‌الاجل ۱۰ روزه ترامپ برای روسیه در گزارشی نوشت که بازارهای روسیه به تهدید رئیس‌جمهوری آمریکا مبتنی بر اعمال تعرفه‌های جدید محتاطانه واکنش نشان دادند؛ به طوری که به گفته تحلیلگران، تضعیف دلار و افزایش بهای نفت در نتیجه تعرفه‌های احتمالی جدید، در کوتاه‌مدت از اقتصاد مسکو حمایت خواهد کرد. این در حالی است که قیمت نفت در پی اظهارات ترامپ، بیش از ۳ درصد رشد کرد و رویترز نوشته که ارزش پول روسیه (روبل) در برابر دلار آمریکا از ۲۴ جولای (دوم مرداد) تا چهارشنبه با افت ۴.۳ درصدی به ۸۱.۹۰ روبرو بوده است.

نکته نهایی که در این راستا باید مورد نظر قرار بگیرد این است که اظهارات جدید ترامپ و مهلت ۱۰ روزه او علیه روسیه به صورت واضح می‌تواند، اوضاع و احوال روابط دوجانبه میان واشنگتن- مسکو را به خطر بیندازد و باید توجه شود که تند شدن ضرب‌مشارجه‌ها و اقدامات سیاسی از سوی ترامپ نه تنها می‌تواند جنگ اوکراین را وارد یک نوع پیچیدگی جدید کند بلکه بدون شک می‌تواند جایگاه او را در میان محافظه‌کاران به خطر بیندازد؛ به گونه‌ای که اخیراً جان بوتون، مشاور امنیت ملی سابق آمریکا هشدار داد که سیاست دونالد ترامپ در قبال اوکراین همچنان «معامله‌ای، مودی و مقطعی» است و به جای یک استراتژی منسجم بر اساس انگیزه‌های شخصی هدایت می‌شود؛ حتی با وجود اینکه کاخ سفید در حال آماده‌سازی یک بسته تسلیحاتی جدید و تهاجمی برای کی‌یف است.

حالی که سوریه عملاً از عرصه تأثیرگذاری خارج شده و لبنان نیز با چالش‌های داخلی مواجه است بنابراین تعامل با مصر به عنوان کشوری تأثیرگذار و دارای سابقه تاریخی در جهان عرب می‌تواند به بازسازی جایگاه ایران در منطقه کمک کند.

همچنین در شرایطی که عربستان سعودی تلاش‌هایی را برای تشکیل یک ائتلاف بین‌المللی در حمایت از راه‌حل دوکشوری و به رسمیت شناختن کشور فلسطین آغاز کرده و کشورهای اروپایی نیز به آن پیوسته‌اند، پیوستن ایران به این روند از طریق بهبود روابط با مصر، می‌تواند اقدامی چشمگیر محسوب می‌شود و می‌تواند در کاهش منازعات و غرب موثر واقع شود.

گفتار

غفلت از پژوهش انتقادی

نگاه انتقادی **سیدیحیی یثربی** به فلسفهٔ سهروردی



۸ مرداد، روز بزرگ‌داشت شیخ اشراق، فیلسوف شهیر ایرانی و احیاگر حکمت خسروانی است. شهاب‌الدین یحیی سهروردی واضع و بنیان‌گذار حکمت اشراق و از بنیانگذاران نگرش فلسفی به عرفان است. سیدیحیی یثربی، پژوهشگر فلسفه و عرفان اسلامی که مقدمه‌اش بر «حکمت‌الاشراق سهروردی» بارها به چاپ رسیده و داستان زندگی سهروردی را در کتابی با عنوان «قلندر و قلعه» نگاشته در گفت‌وگو با ایبنا معتقد است باید امروز نگرش نویی در فلسفه بنا گذاشت و می‌گوید: «اگر تفکر عقلانی بدون دخالت دین باشد، فلسفه می‌شود که سکولار است و مستقل اما اگر با دخالت دین باشد، کلام است مثل آثار خواجه نصیرالدین طوسی یا شیخ مفید. بنابراین اشراق مکتب خاصی نیست، همان تصوف و ریاضت است و از نظر من، امری جدی محسوب نمی‌شود.»

علاقه سهروردی به ایران باستان

یثربی دربارهٔ این‌که سهروردی چگونه حکمت خود را به ایران باستان پیوند زده بود؟ می‌گوید: «ایرانیان باستان هنوز به تفکر فلسفی نرسیده بودند و آن را جدی نمی‌گرفتند. همه چیز منحصر به باورهای دینی و عرفانی بود. سهروردی به ایران باستان علاقه داشت و دلیل علاقه‌اش هم، ایرانی بودن او بود. در غرب ایران، سپاهیان مسلمان مجبور به صلح شدند. در این صلح اسیری برده نشد. سهروردی اهل غرب کشور نبود اما عده‌ای به دلیل مخالفت با دولت اسلامی به منطقه سهرورد تبعید شدند. این تبعیدی‌ها در سهرورد دائماً در فکر ایران و استقلال آن بودند. سهروردی مسلمان بود اما آن آثار کهن ایرانی در اندیشهٔ او با همان عظمت و احترام مورد توجه بود. من در مقدمهٔ «حکمت‌الاشراق» سهروردی به این موارد اشاره کرده‌ام.

سهروردی برخی پادشاهان ایرانی را پیغمبر می‌دانست و صاحب نور حقیقت و کرامت. اصولاً هانری کرین بود که سهروردی و آثار او را در انجمن فلسفه و حکمت برجسته کرد. هدف کرین آن بود که با بزرگ کردن سهروردی، تکیه‌گاهی برای سلطنت ایجاد کند چون سهروردی معتقد بود کیومرث، پیغمبر و نخستین انسانی بود که خدا آفریده است. سهروردی بر این باور بود آن کسی باید پادشاه باشد که در عرفان سهم بزرگ و مقام والایی دارد. جوان بود و بسیار سفر می‌کرد به همین خاطر نباید زیاد مطالبش را مثل ابن‌سینا جدی گرفت. من حدود ۲۰ سال سهروردی را تدریس کرده‌ام. «حکمت‌الاشراق» همان فلسفه ابن‌سیناست با اندکی اختلاف.

سهروردی عارف صوفی هم بود مثل بسیاری از صوفیان دیگر. او مخالف تقلید بود و نصیحت می‌کرد که علم با مال‌دوستی جمع نمی‌شود. سهروردی راه ویژه‌ای ندارد. همان مسیر ابن‌سیناست که سهروردی اصطلاحات آن را تغییر داده است. مثلاً ابن‌سینا می‌گوید «واجب و ممکن»، سهروردی می‌گوید «غنی و فقیر».

یثربی دربارهٔ اهمیت پرداختن به حکمت اشراق سهروردی از منظر منطقی و فلسفی در دنیای کنونی می‌گوید: «به نظر من اگر کسی دنبال حکمت اشراق باشد، می‌تواند ریاضت بکشد. اگر هم بحث فلسفه باشد، می‌تواند همان فلسفهٔ ابن‌سینا را بخواند که این روزها لازم است در آن تجدیدنظر کنیم و فلسفه امروزمان را داشته باشیم. دیگر چهار عنصر آب، آتش، باد و خاک عنصر نیستند، امروز عناصر عالم تغییر کرده‌اند. ما پیشتر از موضوعی چون کهکشان و ذرات خبر نداشتیم و قوانین حرکت‌مان نارسا بود اما امروز علم این موضوعات را روشن کرده و باید به دانش زمان خودمان توجه داشته باشیم. اما اگر بخواهیم به‌صورت ذوقی به این موضوعات بپردازیم باید به سراغ عرفان برویم.»

او دربارهٔ این‌که آیا می‌توان از تفکر سهروردی، اندیشهٔ سیاسی استخراج کرد هم می‌گوید: «سهروردی فاقد اندیشهٔ سیاسی است. به باور او، هر کس که در عرفان جایگاه دارد و سرآمد است، تنها اوست که حق حکومت دارد. به خاطر همین عقایدش هم محاکمه شد چون ادعا می‌کردند، منظور خودش بوده و دنبال حکومت است.»

پژوهش در کشور ما نمایشی است

یثربی در ادامه دربارهٔ ضرورت پژوهش نظاممند و انتقادی می‌گوید: «امروز پژوهش مشکل بزرگ ماست چون راه آن را بلد نیستیم و با وجود بودجه‌های اختصاص یافته، نه وزارت‌خانه و نه حوزه آن را مدیریت می‌کنند. در این میان، هیچ کار علمی هم انجام نشده که تحولی در فکر و فرهنگ جامعه ما ایجاد کند. تنها با الفاظ و مفاهیم بازی کرده‌ایم، می‌گویند «علیت در نظر ابن‌سینا و غزالی»، این دو مورد پیش‌تر تحقیق شده و نیازی به کار جدید ندارد. سال بعد، پایان‌نامه می‌نویسند با همین الفاظ با قدری تفاوت. من فکر می‌کنم، پژوهش جدی در فضایی امکان‌پذیر است که چند گام را برداشته باشد. باید انتقاد کنند و نقد را محترم بشمارند. آن وقت نقد به ما نشان بدهد که مثلاً در بحث علیت مشکل داریم و باید به حل آن بپردازیم. بنابراین باید اول باید نقد را تحمل کنیم و توسعه دهیم که متأسفانه این کار را نمی‌کنیم. نقد، مشکلات را برای ما پیدا می‌کند. وقتی مشکل را پیدا کردیم، بعد آن را به پژوهش بسپاریم. ما الان، نقد نداریم و فاقد مسأله هستیم، بعد پژوهش می‌کنیم. متأسفانه، پژوهش در کشور ما نمایشی است برای گرفتن بودجه. کتاب‌سازی می‌کنند. پژوهش واجب‌ترین نیاز جامعه است، علم با پژوهش به پیش می‌رود. غرب فهمیده که ارسطو نقص دارد، نقص را رفع کرده و فیزیک جدید نیوتن را ایجاد کرده است. نیوتن هم بررسی و نقد شده است. امروز هم این تحولات ادامه دارد. ولی ما هم چنان بر روی ارسطو و ملاصدرا توقف کرده‌ایم. من از نقد نه‌تنها خیر ندیده‌ام بلکه ضرر هم کرده‌ام. اجازه دهند فضای نقد ایجاد گردد، بعد که مشکلات شناسایی شد با یاری پژوهش‌گران آن‌ها را حل نماییم.»

جایی برای مردم

نگاهی به رئالیتی‌شو **کارناوال** کاری از **رامبد جوان**



جعفر شیرعلی‌نیا

پژوهشگر، محقق تاریخ و نویسنده

۱ قدرت و لذت گفت‌وگو در این روزهایی که پیدا کردن اخبار ناراحت‌کننده نیاز به گشتن ندارد، تولد کارناوال برای من دلخوشی بزرگی است. کارناوال گفت‌وگو را رواج می‌دهد. این گفت‌وگو مخصوص مردم حاضر در برنامه نیست. ما هم درون خانواده با بحث‌ها همراه می‌شویم.

رامبد جان، در کارناوال، تو بیش از همه چیز در خدمت گفت‌وگو هستی. در وسط ماجرای کارناوال هستی اما در مواقع لزوم به قدری کمرنگ می‌شوی که فقط هنرمند و مردم دیده شوند. در کارناوال قدرتمند هستی چون قدرت را از طریق تحکم به رخ نمی‌کشی حتی به گریه عروسکی هم زور نمی‌گویی و تلاش می‌کنی با این گریه‌ای که زبان آدمیزاد نمی‌فهمد، گفت‌وگو کنی. راستی چه خوب دریافته‌ای که گرداننده نباید به سمتی غش کند. معلوم است پشت سر اجربایت چقدر فکر و مطالعه هست.

۲ کارناوال تکراری نیست، کارناوال از جهتی شبیه برنامه‌های استعدادیابی است که برای کشف استعدادهای ناشناخته اجرا می‌شود. در این نوع برنامه‌ها، استعدادهایی که رقابت می‌کنند ناشناخته هستند و داوران، افرادی مشهور. در کارناوال افراد مشهور رقابت می‌کنند و داوران مردمی هستند که پیش‌تر نمی‌شناختیم‌شان و در برنامه با آنها آشنا می‌شویم؛ مردمی فهیم، باسواد و صبور. مردمی که حرف‌های زیادی برای گفتن دارند اما سال‌هاست همه می‌خواهند برایشان حرف بزنند. زمانی افراد خوش‌فکر می‌گفتند، «نباید برای مردم حرف زد باید با مردم حرف زد.» اما شما یک ضرورت جدید هم اضافه کردید: «گاهی باید فقط ساکت باشیم و بگذاریم مردم حرف بزنند.» نکته لذت‌بخش دیگر این است که در کارناوال، سلبریتی‌های برنامه خود مردم هستند و گویی سلبریتی‌های همیشگی در حاشیه قرار دارند.

در بخش‌هایی از کارناوال، مردم نازنین‌مان را از برخی هنرمندهای حاضر در کارناوال صبورتر و عمیق‌تر می‌یابیم. هنرمندا گاهی ناراحت و عصبانی می‌شوند اما مردم خیلی خوب به چشم می‌آیند. راستی باخت محسن شریفیان خیلی تکان دهنده بود؛ آن هم در حالی که تمام ظرفیت‌های احساسی، ملی و میهنی به کمکش آمده بود حتی آن عزیز نایبانی دوست داشتنتی. برخی

فرهنگ

در ایران دوستی یکی هستیم

هفتمین همایش ملی
زبان‌ها و گویش‌های ایران
برگزار شد

هفتمین همایش ملی «زبان‌ها و گویش‌های ایران (گذشته و حال)» با مشارکت انجمن علمی ایران‌شناسی و به دبیری علمی محمود جعفری دهقی، سه‌شنبه ۷ مرداد از ساعت ۹ صبح تا ۶ بعدازظهر در مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی برگزار شد.

اسناد هویت ملی

به گزارش روابط‌عمومی مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی در آغاز این برنامه کاظم موسوی‌پنجوردی، رئیس مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی گفت: «این مرکز به‌منظور بزرگداشت و حمایت از زبان‌ها و گویش‌های ایران، نخستین همایش بین‌المللی زبان‌ها و گویش‌های ایران را در خرداد ۱۳۹۱ بنیاد نهاد. امروز هفتمین همایش ملی زبان‌ها و گویش‌های ایران در این مرکز برگزار می‌شود. زبان‌ها و گویش‌های

معتقدند، چهره‌هایی که اجرا می‌کنند، تکراری هستند و پای ثابت برنامه‌های تلویزیونی و پلتفرمی هستند اما به نظر من این هم انتخاب بسیار دقیقی است. در کارناوال مردم در جایگاه منتقد و پرسش‌کننده قرار گرفته‌اند و سلبریتی‌هایی که اغلب در جایگاه کارشناس، منتقد و داور نشسته بودند باید نقد شوند و از خودشان دفاع کنند. از همین جهت تکراری بودنشان خوب است. برخی دوستان می‌گفتند چرا در میان ارائه‌کننده‌ها فقط یک بانو حضور دارد و این خوب نیست، گفتم شاید نظرشان درست باشد اما این موضوع خیلی به چشم من نیامده؛ چون برای من، سلبریتی‌های برنامه آن ۵۰۰ نفر مردم عادی‌ای هستند که در میان آنها زنان و دختران ایران عزیزمان حضوری موثر دارند. در این جمع ۵۰۰ نفره نیز طیف‌های مختلفی از مردم حضور دارند. راستی نوجوان‌های ۱۲-۱۳ ساله‌مان را چقدر خوب شخصیت دادی و معرفی کردی.

۳ برش شیرین می‌دانیم که منحصربه‌فرد بودن هر ایده ریسک اجرایش را بسیار بالا می‌برد. اما شما از پس کار برآمده‌اید. کارناوال هر چند نمایی ساده و دلنشین دارد اما به سادگی به دست نیامده است. این برنامه قابلیت تبدیل شدن به یک برنامه ناموفق و کلیشه‌ای را هم داشت اما شما از سرگرمی که بخش جدانشدنی هنر است به بهترین شیوه بهره گرفتید. در این کار طاقت‌فرسا که ساعت‌های طولانی صدها نفر با هم هستند، کلی لحظه‌های ملال‌آور و پرتش پیش می‌آید؛ اما «برشی از کیک» پیش روی ماست. این تعبیر طنز از استاد بزرگ سینما، آلفرد هیچکاک است: «سینما برای من برشی از زندگی نیست بلکه برشی از یک کیک است.» او می‌گفت: «درام چیزی نیست جز زندگی با حذف بخش‌های کسل‌کننده آن.» تو و تیمت توانسته‌اید در کنار هم زندگی کنید و ما را به نوعی در جریان لحظات دراماتیک این زندگی قرار دهید که مشتاق دنبال کردن داستان باشیم. آنچه پیش روی ما می‌گذاری، سرگرمی و هنر را با هم دارد و یک پروژه آموزشی قوی نیز هست.

۴ اتفاق تاریخی برای من که با تاریخ سروکار دارم، کارناوال پاسخ به یک مسأله تاریخی در نسبت با جمهوری اسلامی نیز هست. چند روز قبل دیدم رضا رشیدپور عزیز در توییت نوشته است: «همین جا ثبت می‌کنم. مدیریت تولید محتوای یک شبکه تلویزیونی را به تیم ما بدهید. ریالی بودجه نمی‌خواهیم. هیچ امکانات زیرساختی به جز «فرکانس» هم نمی‌خواهیم. قول می‌دهم با رعایت کامل چارچوب‌های رسمی و قانونی، ماهیانه یک میلیون دلار هم به سازمان صداوسیما پرداخت کنیم! اگر نکرديم، با افتخار



ایران اسناد هویت ملی، دینی و فرهنگی ماست. بنابراین پژوهش، حفظ و معرفی این اسناد که یکی از مهم‌ترین گنجینه‌ها و ذخایر ملی است از مهم‌ترین وظایف همهٔ دوستداران فرهنگ و تمدن ایران‌زمین است. یادآوری می‌کنم که افزون بر زبان‌های ایرانی نظیر کردی، بلوچی و لری و...، زبان‌های ترکی و عربی نیز که از سوی گروه بسیاری از هم‌میهنان ایرانی ما تکلم می‌شود، موجب غنای فرهنگی و علمی زبان‌های ایرانی بوده و همواره به ارزش زبان‌های ایرانی افزوده است. در واقع زبان فارسی به‌عنوان زبان رسمی به‌منزلهٔ یکی از عوامل و عناصر اتحاد و یگانگی میان همهٔ ایرانیان تلقی می‌شود. این زبان از چنان گنجینهٔ فرهنگی، ادبی و علمی سترگی برخوردار است که از دیرباز همهٔ ایرانیان را به هم پیوند داده و هیچ عاملی توان جدایی آن‌ها را از یکدیگر نداشته است. هدف از برگزاری این



یک کی بی غلط

چگونه اژدهای خود را تربیت کنیم بازسازی انیمیشن موفق است

قادر دولت‌زاده

روزنامه‌نگار

فیلم لایواکشن «چگونه اژدهای خود را تربیت کنیم» محصول سال ۵۲۰۲ و کمپانی دریم ورکس است که اقتباسی از انیمیشنی به همین نام محسوب می‌شود. انیمیشنی که خودش بر پایه کتابی نوشته کرسیدا کوول ساخته شده است. «چگونه اژدهای خود را تربیت کنیم» در ۳ قسمت سینمایی و ۸ فصل سریالی توسط شرکت دریم ورکز ساخته شد. قسمت اول سینمایی این انیمیشن در ژانر اکشن و فانتزی برای اولین بار در سال ۲۰۱۰ به کارگردانی دین ذبلوا و کریس سندرز به روی پرده سینما رفت. انیمیشنی که به شدت تحت تاثیر مسئله قدرت نرم اثر جوزف نای است و درباره چگونگی ادبیات رام کردن خطرناک‌ترین دشمنان راهکارهایی را به کودکان آموزش می‌دهد و قدرت مقابله به دشمنان سرسخت را نشان می‌دهد.

«چگونه اژدهای خود را تربیت کنیم»، زندگی پسر رئیس وایکینگ‌هاست. برخلاف همه وایکینگ‌ها او نمی‌تواند اژدها بکشد و به خاطر این ضعف مورد تحقیر و تمسخر قرار می‌گیرد. او برای ثابت کردن شجاعت خود سعی می‌کند شبیه به بقیه وایکینگ‌ها شود اما بعد متوجه می‌شود که با روحیه متفاوت خود می‌تواند تغییر بزرگی به وجود بیاورد. او به جای مبارزه با اژدهایان به همه وایکینگ‌ها یاد می‌دهد که می‌توانند با آنها دوست باشند. هیکاپ با شجاعت خود توانست به جنگ همیشگی با اژدهایان پایان بدهد و زندگی مسالمت‌آمیز را جایگزین خشونت کند.

لایواکشن «چگونه اژدهای خود را تربیت کنیم» یک بازسازی مویه‌مو از انیمیشن ۲۰۱۰ است که نویسنده و کارگردان نسخه اصلی را هم برایش آورده‌اند. اگر با فیلم سابق آشنا نیستید باید بگویم که داستان «چگونه اژدهای خود را تربیت کنیم» ۲۰۲۵ دقیقاً از فیلم اول تبعیت می‌کند که آن هم اقتباسی از کتاب کودکان ۲۰۰۳ کرسیدا کاول به حساب می‌آید. در واقع این نسخه اقتباسی بسیار وفادارانه نسبت به انیمیشن سینمایی‌اش محسوب می‌شود. از آن نوع اقتباس‌هایی که صحنه به صحنه از روی محل اقتباس‌شان انجام می‌شوند و شاید بیشتر از اینکه اقتباسی وفادارانه باشد، کپی کامل انیمیشن است؛ اما این موضوع، نقطه قوتی محسوب نمی‌شود چراکه این لایواکشن چیز تازه‌ای برای ارائه ندارد. ایده‌های جدید و نو ندارد و تنها به تکرار همان داستان و روایت انیمیشن می‌پردازد.

اقتباس مو به مو از آثار سینمایی به ویژه در مورد انیمیشن‌هایی مانند «چگونه اژدهای خود را تربیت کنیم» می‌تواند با ایرادها و ضعف‌های قابل توجهی همراه باشد.

«چگونه اژدهای خود را تربیت کنیم» به عنوان یک



صحبت که به اینجا رسید، محمد هاشمی گفت: «شما در قلب مردم جا دارید.» آیت‌الله برایش توضیح داد در قلب مردم بودن به این چیزها نیست و گفت قبلاً هم با مردم بوده و مردم هم به او لطف داشتند؛ ولی اینطور نبود که ما رادیو تلویزیون داشته باشیم.»^{*} آن زمان تا مدتی برخی روزنامه‌ها در صفحه اول خود خبری از یک کشاورز یا یک روستایی می‌گذاشتند یا تلویزیون به آنها می‌پرداخت. این مبتذل‌ترین برخورد با ایده آقای خمینی بود. گویا در آن زمان درک چندانی وجود نداشت که وقتی با یک مساله رسانه‌ای روبه‌رو می‌شویم باید به دنبال یک پاسخ هنری و رسانه‌ای باشیم؛ پاسخی از جنس رسانه‌ای و هنری کارناوال. همان زمان هم باید می‌رفتند، سراغ هنرمندان و از آنها راهکار هنری می‌خواستند. اما احساس قدرت گاه چنان سرمست می‌کند که صاحب قدرت فراموش می‌کند، قدرت سیاسی اگر ماندنی بود به او نمی‌رسید. این خاصیت قدرت سیاسی است که ماندنی نیست و خاصیت هنر این است که می‌ماند. به نظر می‌رسد برخی مقامات در این سال‌های طولانی پیشرفت چندانی نداشتند. تلویزیون که جای خودش و کمتر کسی از مدیران فعلی انتظار دارد اما وزیر ارشاد و معاونان رنگارنگ او هم اوضاع بهتری ندارند. در حال توصیه دیگران با توثیفات پیاپی هستند. آنها حتی نمی‌توانند در این شرایط هنرمند‌ها را دور هم جمع کنند تا حرف هنرمندان شنیده شود. اما شما کار سخت‌تر را انجام دادید و مردم را جمع کردید تا حرف بزنند. این برنامه در شرایط امروز بسیار مورد نیاز بود و ما می‌دانیم، ایده تو و دوستانات پیش از این روزها متولد شده است و هنرمند پیش از دیگران آینده را حس می‌کند و بسیار جلوتر از امروز است. اما امان از مسئولی که بسیار عقب‌تر از امروز است. وقتی چنین می‌شود و فاصله خیلی زیاد می‌شود، مقام حکومتی هنرمند را کوچک می‌بیند و احساس می‌کند، او از مدار خارج شده است، پس مستحق خشم و غضب است. حال کارناوال و برنامه‌های مشابه‌اش نشان می‌دهند که صداوسیما یا ما با حذف تدریجی هنرمندان بزرگ چه ظلمی در حق کشور و مردمش کرده است.

*** صحیفه امام، ج ۱، ص ۳۹۱ و ۳۹۲**
**** صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۴۶ تا ۳۴۷**

فارسی از راه می‌رسد زیرا همه با هم به یک زبان ارتباط برقرار می‌کنیم. ما همه با هم شاهنامه و گلستان را می‌خوانیم و می‌فهمیم و همه با هم به فردوسی و سعدی تعظیم می‌کنیم. در این میان کشف گویش‌ها مثل کشف یک سایت باستان‌شناسی است و باید گویش‌ها را درآییم تا از میان نروند. پس لازم است به گویش‌ها احترام بگذاریم و امیدوارم خداوند ایران و زبان فارسی را حفظ کند زیرا در دنیا به هیچ چیزی جز زبان فارسی‌مان نمی‌نازیم و در ایران دوستی یکی هستیم.»

گسترده‌ی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی

بعد محمود جعفری دهقی، دبیر علمی همایش در سخنرانی مکتوب خود گفت: «زبان‌های ایرانی شاخه‌ای از زبان‌های هند و ایرانی است و از خانوادهٔ زبان‌های هندواروپایی به‌شمار می‌رود. زبان اوستایی احتمالاً به موازات و هم‌زمان با زبان سانسکریت جریان داشته است. اقوام ایرانی مجموعهٔ بزرگی شامل مادها، پارس‌ها و پارت‌ها در فلات ایران، کیمری‌ها و شاخهٔ دیگری از سکاکا و سرمت‌های منطقهٔ اوکراین، آسی‌ها در منطقهٔ قفقاز، سغدها، خوارزمیان، ختنی‌ها، هیتالیان و یوئه‌چی‌ها در آسیای میانه‌اند. گروهی از این اقوام مانند مادها و پارس‌ها در حدود هزارهٔ نخست پیش از میلاد به فلات ایران وارد شدند و در دامنه‌های زاگرس سکونت یافتند و با اقوام بومی ایران درآمیختند. دو قوم ماد و پارس بعدها در سده‌های هشتم و هفتم پیش از میلاد حکومت‌های ماد و هخامنشی را تشکیل دادند. زبان‌های ایرانی باستان شامل زبان‌های مادی، فارسی باستان، اوستایی و سکایی و زبان‌های ایرانی میانه شامل زبان‌های پارتی، پهلوی، سغدی، ختنی، خوارزمی و بلخی به‌واسطهٔ وجود سه امپراتوری جهانی هخامنشی، اشکانی و ساسانی در فلات ایران و بیرون از آن گسترش یافت. به‌همین روی گسترده‌ی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی به‌گونه‌ای است که امروزه بخش قابل توجهی از آن‌ها در بیرون از مرزهای جغرافیای سیاسی ایران قرار گرفته است. این زبان‌ها حامل فرهنگ و جهان‌بینی ایرانی‌اند و این فرهنگ را در سراسر جهان ایرانی منتشر می‌سازند.

پلنفرم را واگذار و تسلیم قانون می‌شویم.» توثیت او مرا برد به حدود ۶۰ سال قبل که آقای خمینی چنین چیزی را خطاب به حکومت پهلوی گفته بود. هجدهم شهریور ۴۳ آیت‌الله خمینی در مسجد اعظم قم خطاب به حکومت شاه گفت: «از این رادیو ... دو سه ساعتش را هم دست ما بدهید اما آزادمان بگذارید، نه اینکه برنامه‌اش هم خودتان بنویسید ... من به شما قول می‌دهم که نه با سلطنت شما مخالفت داشته باشد ... فقط اگر وزارت فرهنگ و دستگاه‌های فرستنده یک مقداری دست ما باشد ما مردم را آشنا می‌کنیم؛ دنیا را آشنا می‌کنیم به احکام اسلام و اسلام‌مان.»

این همان سخنرانی‌ای است که امام در آن گفت: «وزارت اوقاف از ما باشد ... یک نفر هم وزیر اوقافش بکنیم ... آن وقت ببینید که این طوری که الان دارد لوطی‌خور می‌شود، نخواهد شد ... دست ما بدهید تا ببینید چه خواهد شد.»^{*} کمتر از ۱۵ سال پس از این سخنان، انقلاب شد و اختیار صداوسیما و اوقاف، همراه تمام امکانات کشور در اختیار آیت‌الله قرار گرفت. چند سال که از پیروزی انقلاب گذشت حالا خود آقای خمینی هم از رادیو تلوزیون جمهوری اسلامی خوشش نمی‌آمد.

۲۷ مرداد ۱۳۶۴ آیت‌الله خمینی در دیدار با محمد هاشمی، مدیرعامل صداوسیما و معاونانش گفت: «از این وضع رادیو تلویزیون خوشم نمی‌آید.» گفت: «آن‌قدر که پابره‌نه‌ها در تلویزیون حق دارند، ما حق نداریم. این یک واقعیت است و تعارف نیست.» او توضیح داد که انقلاب و پیروزی‌ها از مردم است و حق با آن‌هاست. گفت: «چند وقتی است هر وقت تلویزیون را می‌بیند از من اسم می‌برد، خوشم نمی‌آید. ما باید به مردم ارزش بدهیم ... خودمان کنار بایستیم و روی خیر و شر کارها نظارت کنیم.» گفت: «گفته است چیزهای مربوط به او پخش نشود و اگر لازم باشد خودش می‌گوید چه چیزی پخش شود. اما ملاقات امروز من و شما که با هم صحبت می‌کنیم، این دیگر در رادیو تلویزیون گفتن ندارد که رادیو بگوید، تلویزیون بگوید، رادیو چند دفعه، تلویزیون چند دفعه، این کارها مردم را خسته می‌کند و هیچ محتوا ندارد.» به مسائل دیگر هم اعتراض کرد؛ «اول خبر که می‌خواهد شروع کند عکس مرا می‌گذارند، آن را بردارد.»



همایش آشنایی با آخرین دستاوردهای پژوهشی در زمینه زبان‌ها و متون ایرانی باستان، میانه و نو، بررسی گسترهٔ زبان‌های ایرانی به عنوان یکی از عوامل پیوند میان ملت‌های منطقه و ایجاد انگیزه در پژوهشگران جوان برای پژوهش‌های ژرف در عرصهٔ زبان‌شناسی ایرانی است.» او در پایان اظهار امیدواری کرد با حمایت دانشمندان و زبان‌شناسان ایرانی و جهانی گام تازه‌ای در معرفی و صیانت زبان‌ها و گویش‌های ایرانی بردارد.

نگرانی مشترک همهٔ ما

ژاله آموزگار، عضو شورای عالی علمی مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی نیز در سخنرانی ظاهر کرد: «نگرانی مشترک همهٔ ما ایران است و این روزها بیش‌تر به یاد آن هستیم. نام ایران که می‌آید، زبان





سال هشتم شماره ۲۰۲۹
پنج‌شنبه ۹ مرداد ۱۴۰۴

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

دیدگاه: یادداشت روز

جشنواره ریسک‌ها

بازار سهام با چه ریسک‌هایی مواجه است؟

جمشید پیش‌قدم

گروه اقتصاد

بازار سهام ایران با مجموعه‌ای از ریسک‌های پیچیده و چندوجهی مواجه است که می‌توانند سودآوری شرکت‌ها و اعتماد سرمایه‌گذاران را به شدت تحت تأثیر قرار دهند. بحران انرژی، به‌ویژه قطعی برق و کمبود گاز، یکی از مهم‌ترین تهدیدات کوتاه‌مدت و میان‌مدت است. زیان ۳ تا ۵ میلیارد دلاری ناشی از قطعی برق در سال گذشته نشان‌دهنده آسیب‌پذیری بالای صنایع انرژی‌بر مانند فولاد، سیمان و پتروشیمی است که بخش قابل‌توجهی از ارزش بازار بورس را تشکیل می‌دهند. این محدودیت‌ها تولید را کاهش داده و با افزایش هزینه‌های تولید، برخی شرکت‌ها را به مرز ورشکستگی می‌کشاند. در بخش نفت، نیاز به سرمایه‌گذاری ۲۵۰ میلیارد دلاری برای حفظ سطح تولید کنونی، در کنار ناتوانی در رقابت در برداشت گاز از میادین، ریسک سیستمیک بزرگی را ایجاد کرده است. کمبود آب نیز به‌عنوان یک ریسک بلندمدت، صنایع آب‌بر مانند کشاورزی، فولاد و پتروشیمی را تهدید می‌کند. استقرار این صنایع در مناطق کم‌آب، زنجیره تأمین و تولید را مختل کرده و هزینه‌ها را افزایش می‌دهد. انتقال صنایع به مناطق جنوبی یا جایگزینی تولید برخی محصولات با واردات می‌تواند، فشار بر منابع آب را کاهش دهد اما این راهکارها نیازمند سرمایه‌گذاری سنگین و برنامه‌ریزی دقیق هستند و در کوتاه‌مدت عملیاتی نیستند. همچنین وابستگی به واردات می‌تواند، خروج ارز را افزایش داده و ریسک‌های اقتصاد کلان را تشدید کند.

بخش بانکی نیز از این بحران‌ها مصون نیست. کاهش تولید صنایع، توانایی بازپرداخت وام‌ها را کاهش داده و ریسک نکول را افزایش می‌دهد، در حالی که افت تقاضا برای تسهیلات جدید، درآمد بانک‌ها را تحت فشار قرار می‌دهد. این موضوع می‌تواند، سودآوری بانک‌ها را کاهش داده و ارزش سهام آنها را تحت تأثیر قرار دهد. علاوه بر این، ریسک‌های ژئوپلیتیکی از جمله تحریم‌ها و تنش‌های منطقه‌ای همچنان جریان سرمایه‌گذاری خارجی و دسترسی به فناوری‌های جدید را محدود می‌کنند.

عدم شفافیت در سیاست‌های اقتصادی، به‌ویژه در زمینه کنترل تورم، حذف قیمت‌گذاری دستوری، مبارزه با رانت ارزی و خصوصی‌سازی، سردرگمی در فضای سرمایه‌گذاری ایجاد کرده و پیش‌بینی‌پذیری بازار را کاهش داده است. این ابهامات اعتماد سرمایه‌گذاران را تضعیف کرده و می‌تواند به خروج سرمایه منجر شود. برای کاهش این ریسک‌ها، دولت باید با حذف تدریجی قیمت‌گذاری دستوری، ایجاد مشوق‌هایی برای سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر و بهینه‌سازی مصرف آب در کشاورزی و صنعت اقدام کند. سرمایه‌گذاران نیز باید با تنوع‌بخشی به سبد سرمایه‌گذاری خود به سمت صنایعی با وابستگی کمتر به انرژی و آب، مانند فناوری اطلاعات یا خدمات، حرکت کنند و شرکت‌ها استراتژی‌های مدیریت ریسک خود را تقویت کنند.

در مجموع، بازار سهام ایران در شرایطی بحرانی قرار دارد که نیازمند تصمیم‌گیری‌های فوری، شفاف و علمی است. با مدیریت صحیح این چالش‌ها، می‌توان اثرات منفی را کاهش داد و از فرصت‌های موجود در بخش‌های کم‌ریسک‌تر بهره برد. اگر نیاز به تحلیل عمیق‌تر در مورد بخش خاصی دارید لطفاً جزئیات بیشتری ارائه دهید. چشم‌انداز بازار سهام ایران با توجه به ریسک‌های مطرح شده در کوتاه‌مدت و میان‌مدت به شدت چالش‌برانگیز است. بحران انرژی، به‌ویژه قطعی برق و کمبود گاز، با زیان ۳ تا ۵ میلیارد دلاری در سال گذشته، تولید صنایع کلیدی مانند فولاد، سیمان و پتروشیمی را کاهش داده و با افزایش هزینه‌ها، حاشیه سود شرکت‌ها را تحت فشار قرار می‌دهد. این موضوع همراه با نیاز به سرمایه‌گذاری ۲۵۰ میلیارد دلاری برای حفظ تولید نفت و ناتوانی در رقابت در برداشت گاز، نشان‌دهنده محدودیت‌های ساختاری عمیقی است که بدون اصلاحات اساسی، بهبود سریعی نخواهد داشت. حتی در صورت حذف قیمت‌گذاری دستوری، حداقل ۴ سال زمان برای مشاهده نتایج ملموس در بخش برق لازم است که این تأخیر فشار بر صنایع را در آینده نزدیک تشدید می‌کند. کمبود آب نیز تولید صنایع آب‌بر را تهدید کرده و هزینه‌های تولید را افزایش می‌دهد. انتقال صنایع به مناطق جنوبی یا جایگزینی تولید با واردات، اگرچه راهکارهایی منطقی هستند اما به دلیل نیاز به سرمایه‌گذاری سنگین و زمان‌بر بودن در کوتاه‌مدت عملیاتی نیستند و حتی می‌توانند با افزایش وابستگی به ارز خارجی، ریسک‌های اقتصاد کلان را تشدید کنند. بخش بانکی نیز با کاهش بازپرداخت وام‌ها و افت تقاضا برای تسهیلات جدید با کاهش سودآوری مواجه خواهد شد که به افت ارزش سهام این بخش منجر می‌شود. ریسک‌های ژئوپلیتیکی، از جمله تحریم‌ها و تنش‌های منطقه‌ای، همچنان دسترسی به سرمایه‌گذاری خارجی و فناوری را محدود می‌کنند.

جراحی نمایشی

نمایندگان عضو کمیسیون اقتصادی مجلس به حذف ۴ صفر از پول ملی رأی دادند
این سیاست در شرایط فعلی چه عواقبی دارد؟

سعید خوش‌بین

گروه اقتصاد

لایحه حذف چهار صفر از پول ملی، که از سوی دولت ارائه شده بود، پس از بررسی و رفع برخی ایرادها در کمیسیون اقتصادی به تصویب رسید. این لایحه با نظر مثبت رئیس کل بانک مرکزی، وزارت امور اقتصادی و دارایی و اعضای کمیسیون مربوطه نهایی شد. در سال‌های گذشته هر زمان تورم افزایش پیدا کرده یا در حال افزایش بوده، زمزمه‌های حذف صفر بالا گرفته اما همین که از التهاب تورم کاسته شده، سیاست حذف صفر به محاق تعلیق رفته است. بانک مرکزی هدف از این اقدام را تسهیل در محاسبات مالی عنوان کرده اما اقتصاددانان می‌گویند این اقدام به منزله رد گم کردن است. به عقیده اقتصاددانان، حذف صفرها به‌تنهایی نمی‌تواند مسائل بنیادین نظیر تورم بالا یا کاهش قدرت خرید را حل کند. چراکه بدون اصلاح ساختارهای اقتصادی، تورم پس از مدتی دوباره افزایش یافته و صفرهای حذف‌شده به واحد پولی بازخواهند گشت. اقتصاددانان این اقدام را به کوچک کردن معده بدون تغییر عادات غذایی تشبیه کرده‌اند که در نهایت به بازگشت چربی‌های اضافه و چاق

شدن دوباره منجر می‌شود. در کنار حذف صفر از پول ملی، گمانه‌زنی‌هایی نیز درباره احتمال تغییر واحد پول ملی مطرح شده، با این وجود لازم است، تغییراتی در جزئیات لایحه اعمال شود تا با سایر قوانین هماهنگی داشته باشد و تعارضی ایجاد نکند. ولی‌الله سیف، رئیس کل اسبق بانک مرکزی در این زمینه اظهار کرده که در سال‌های اخیر، نرخ تورم بالا در محدوده ۴۰ درصد به تضعیف شدید ارزش پول ملی و افزایش تدریجی تعداد صفرها در اسکناس‌ها منجر شده است. وی افزود که در کشورهایی با تورم مزمن و نوسانات اقتصادی شدید، ارزش پول ملی به‌تدریج کاهش یافته و قیمت کالاها افزایش می‌یابد که این امر به افزودن مداوم صفرها به واحد پولی دامن می‌زند. این لایحه پس از انجام اصلاحات لازم برای اجرا به مراحل بعدی ارجاع خواهد شد.

دیدگاه موافقان و مخالفان

موافقان حذف صفر از پول ملی معتقدند، این اقدام می‌تواند به ساده‌سازی محاسبات مالی و اقتصادی کمک کند، زیرا تعداد ارقام در معاملات روزمره کاهش یافته و عملیات

دیدگاه: یادداشت روز

صندوق اسرار

کابوس ورشکستگی از صندوق‌های اهرمی دور شد؟

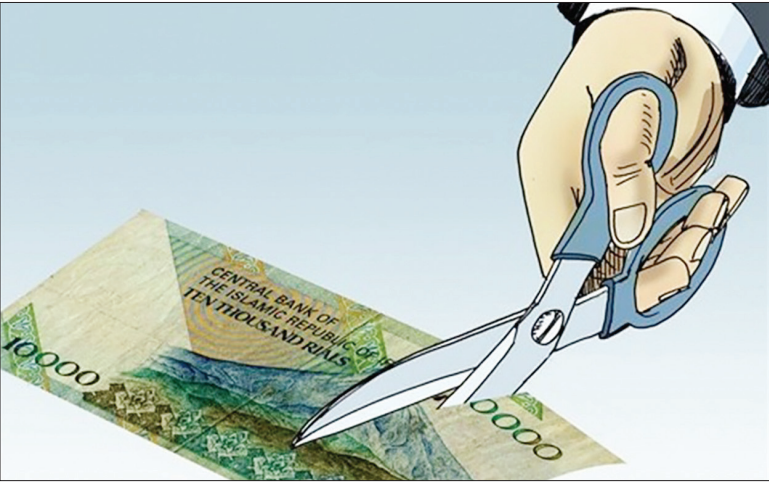
مهتاب شهریاری

گروه اقتصاد

در روزهایی که سایه جنگ بر بازار سهام ایران سنگینی می‌کرد، بورس تهران در تنها هشت روز معاملاتی شاهد افت ۱۱ درصدی ارزش خود بود. نمادهای بورسی یکی پس از دیگری قرمزپوش شدند و سرمایه‌گذارانی که به امید بازده بالا، صندوق‌های اهرمی را در سبد خود جای داده بودند، با کابوس صف‌های سنگین فروش و ترس از ورشکستگی این صندوق‌ها روبه‌رو شدند. در این میان، تجربه تلخ کاهش بی‌رویه قیمت‌ها نشان داد که صندوق‌های اهرمی، این دارایی‌های پرریسک، نیازمند اصلاحات ساختاری در بازار هستند تا سرمایه‌گذاران بتوانند از تقارن ریسک و بازده آنها بهره‌مند شوند.

صندوق‌های اهرمی در بازار سهام ایران به دلیل ماهیت

حسابداری، ثبت اسناد مالی و فعالیت‌های بانکی روان‌تر می‌شود. آنها بر این باورند که حذف صفرها به بهبود تصویر پول ملی در سطح بین‌المللی کمک کرده و از نظر روانی، حس تقویت ارزش پول را در میان مردم ایجاد می‌کند. همچنین این اقدام می‌تواند، هزینه‌های چاپ اسکناس و ضرب سکه را کاهش دهد زیرا اسکناس‌هایی با ارزش اسمی پایین‌تر، کمتر مورد نیاز خواهد بود. موافقان تأکید دارند که این سیاست، در کنار سایر اصلاحات اقتصادی، می‌تواند به کارایی بیشتر نظام مالی و افزایش اعتماد عمومی به پول ملی منجر شود. به گفته برخی تصمیم‌گیران، از جمله رئیس کل بانک مرکزی، این اقدام در شرایطی که تورم بالا طی سال‌ها ارزش پول ملی



را تضعیف کرده و تعداد صفرها را افزایش داده به‌عنوان گامی در جهت تسهیل مبادلات و کاهش پیچیدگی‌های عددی در اقتصاد مطرح است.

در مقابل، مخالفان حذف صفر از پول ملی معتقدند، این اقدام به‌تنهایی نمی‌تواند مشکلات اقتصادی بنیادین مانند تورم بالا و کاهش قدرت خرید را حل کند و صرفاً جنبه ظاهری دارد. آنها استدلال می‌کنند که بدون اصلاح ساختارهای اقتصادی نظیر کنترل تورم، بهبود سیاست‌های پولی و مالی و تقویت نظام حکمرانی، حذف صفرها تنها اثر موقت داشته و پس از مدتی با تداوم تورم، صفرهای حذف‌شده دوباره به واحد پولی بازمی‌گردند. اقتصاددانان مخالف، این سیاست را به اقدامات سطحی مانند کوچک کردن معده بدون تغییر عادات غذایی تشبیه می‌کنند که در نهایت به بازگشت مشکلات منجر می‌شود. همچنین آنها نگران هزینه‌های اجرایی این طرح از جمله چاپ اسکناس‌ها و سکه‌های جدید، به‌روزرسانی سیستم‌های بانکی و حسابداری و آموزش عمومی هستند که ممکن است، بار مالی قابل‌توجهی به اقتصاد تحمیل کند. به اعتقاد مخالفان، این اقدام ممکن است به سردرگمی در

پرریسک خود، در مقایسه با سایر صندوق‌های سرمایه‌گذاری، از جمله صندوق‌های سهامی مختلط یا درآمد ثابت، همواره با نوسانات قیمتی بیشتری مواجه بوده‌اند. طی یک سال اخیر، محدودیت‌هایی در میزان نوسان قیمت این صندوق‌ها اعمال شده است. با این حال، تجربه تلخ قرمزپوشی بازار سهام پس از جنگ اخیر نشان داد که این دارایی‌ها در شرایط بحرانی، به دلیل انباشت سفارش‌های فروش، می‌توانند کاهش قیمت بی‌رویه‌ای را تجربه کنند. در جریان این بحران، تنها طی هشت روز معاملاتی، ارزش بورس تهران حدود ۱۱ درصد کاهش یافت و تقریباً تمامی نمادها با افت شدید مواجه شدند. برای سرمایه‌گذارانی که صندوق‌های اهرمی را در سبد دارایی خود داشتند، این وضعیت به مراتب وخیم‌تر بود، به‌طوری‌که ترس از ورشکستگی این صندوق‌ها به دلیل ماهیت اهرمی آن‌ها در میان سرمایه‌گذاران شدت گرفت.

هرچند این نگرانی ممکن است شایعه یا واقعی باشد،

معاملات روزمره و کاهش اعتماد عمومی به پول ملی منجر شود به‌ویژه اگر با اصلاحات اقتصادی عمیق همراه نباشد. «فتح‌الله توسلی»، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، از تصویب لایحه حذف ۴ صفر از پول ملی در کمیسیون مربوطه خبر داد و گفت: «این لایحه که از سوی دولت ارائه شده بود پس از رفع ایرادات با نظر مثبت رئیس کل بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و کمیسیون مربوطه به تصویب رسید».

گفته او، این لایحه در مرحله بعدی در صحن مطرح و تعیین تکلیف خواهد شد.

عضو کمیسیون اقتصادی با بیان اینکه حذف صفرها به خودی خود تأثیری در کنترل تورم یا افزایش قدرت پول ملی ندارد، گفت: «در واقع، این کار بیشتر جنبه روانی و تسهیل مبادلات را خواهد داشت. با این ۴ صفر، اعتبار پول ملی زیر سؤال رفته است. مثلاً یک دلار معادل ۱۰۰ هزار تومان و ۱۰۰ هزار تومان هم معادل یک میلیون ریال است. ۱۰۰ دلار هم می‌شود ۱۰۰ میلیون ریال، یعنی در شمارش صفرها هم دچار مشکل می‌شویم و یک تریلی صفر باید پشت ارقام بیاوریم لذا برای حفظ اعتبار پول ملی به دنبال حذف ۴ صفر هستیم».

اقتصاددانان در سال‌های گذشته بارها گفته‌اند که کنترل هزینه‌های دولت و تلاش برای کاهش تورم بر حذف صفرها مقدم است زیرا تورم بالا و کسری بودجه ناشی از هزینه‌های غیرضروری دولت، ریشه اصلی تضعیف ارزش پول ملی و افزایش تعداد صفرها در واحد پولی هستند. بدون مهار تورم از طریق سیاست‌های مالی منضبط، اصلاح نظام بودجه‌ریزی و کاهش مخارج غیرضروری، حذف صفرها تنها اقدامی ظاهری و موقت خواهد بود که نمی‌تواند مشکلات ساختاری اقتصاد را حل کند. اقتصاددانان تأکید دارند که تورم مزمن، قدرت خرید مردم را کاهش داده و به افزایش مداوم صفرها در اسکناس‌ها منجر می‌شود. اگر این چرخه معیوب با کنترل هزینه‌های دولت و اجرای سیاست‌های پولی و مالی مؤثر متوقف نشود، حذف صفرها صرفاً به تعویق افتادن مشکل منجر شده و پس از مدتی با بازگشت تورم، صفرهای حذف‌شده دوباره ظاهر خواهند شد. علاوه بر این، مدیریت هزینه‌های دولت و کاهش تورم، ثبات اقتصادی را تقویت کرده و اعتماد عمومی به پول ملی را افزایش می‌دهد، در حالی که حذف صفرها بدون این اصلاحات ممکن است به سردرگمی و بی‌اعتمادی در جامعه دامن بزند. بنابراین اولویت دادن به اصلاحات بنیادین اقتصادی، پیش‌نیاز ضروری برای پایداری هرگونه اقدام در جهت بهبود ارزش پول ملی است.

اما تشکیل صفوف سنگین فروش در نمادهای اهرمی برای چند روز متوالی نشان‌دهنده ناتوانی بخش قابل‌توجهی از سرمایه‌گذاران در بهره‌مندی از تقارن ریسک و بازده این دارایی‌هاست. صندوق‌های اهرمی به دلیل استفاده از اعتبار در خرید دارایی‌ها و مدیریت پرتفوی خود، ذاتاً پرریسک‌تر از صندوق‌های سنتی هستند. این ویژگی در تمامی بازارهای مالی، از جمله بورس‌های لندن، نیویورک و تهران، صدق می‌کند و سرمایه‌گذاران این صندوق‌ها به همان میزان که در این دارایی‌ها سرمایه‌گذاری می‌کنند، ریسک بیشتری را متحمل می‌شوند. با این حال، در ایران، صندوق‌های اهرمی در مقایسه با نمونه‌های مشابه در کشورهایمانند آمریکا، از ضریب اهرمی پایین‌تری برخوردارند که این امر به کاهش ریسک و به تبع آن بازده کمتر منجر شده است.

به منظور جلوگیری از تکرار چنین تجربیات تلخی، سازمان بورس می‌تواند دو راهکار اساسی را در نظر بگیرد: نخست، فعال‌سازی پویاتر بازار مشتقه برای این نماده‌ها به منظور مدیریت بهتر ریسک و نقدشوندگی؛ دوم، فراهم آوردن امکان حراج روزانه در شرایط بحرانی برای جلوگیری از انباشت سفارش‌های فروش و کاهش بی‌رویه قیمت‌ها. این اقدامات می‌توانند به بهبود عملکرد صندوق‌های اهرمی و افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران به این ابزارهای مالی کمک کنند.



خاموشی به اسنوا و دوورسید!

درباره اختلال تلویزیون‌های هوشمند گروه صنعتی انتخاب

فائزه مومنی

گروه اجتماعی



در نخستین روزهای مرداد، هزاران مالک تلویزیون‌های هوشمند اسنوا و دوو در ایران با وضعیتی عجیب مواجه شدند. صفحه نمایش دستگاه بعد از دریافت پیامی درباره به‌روزرسانی سیستم عامل سیاه می‌شد و تلویزیون دیگر روشن نمی‌شد. از آنجایی که این اتفاق در زمانی کوتاه همه دستگاه‌های متصل به اینترنت را درگیر کرد، شبکه‌های اجتماعی به سرعت پر از گزارش‌های کاربران شد و خطوط پشتیبانی شرکت انتخاب (عرضه‌کننده این دو برند در ایران) پاسخگو نبود. این خاموشی گسترده علاوه بر سردرگمی مصرف‌کنندگان، بحث‌های مختلفی درباره امنیت سایبری، وابستگی به تأمین‌کنندگان خارجی و مسأله انحصار در بازار لوازم خانگی ایران ایجاد کرد.

طبق گزارش‌های کاربران و خبرگزاری‌ها، اختلال از ظهر روز جمعه سوم مرداد ۱۴۰۴ آغاز شد. کاربران گزارش دادند که تلویزیون‌های هوشمند دو برند اسنوا و دوو بدون هشدار، صفحه‌ای سیاه نشان می‌دهند و پس از نمایش پیامی با مضمون «در حال به‌روزرسانی سیستم-عامل» خاموش می‌شوند. تلاش کاربران برای بازگشت به تنظیمات کارخانه، قطع و وصل برق یا استفاده از دکمه‌های سخت‌افزاری بی‌نتیجه بود. بررسی خبرنگاران سایت سیتنا نیز نشان می‌دهد که این اختلال پس از نمایش پیام به‌روزرسانی آغاز شده و دستگاه‌ها به‌طور کامل از کار افتاده‌اند. بسیاری از مصرف‌کنندگان هنگام تماس با شماره پشتیبانی ۱۶۹۹ با خطوط اشغال یا خارج از دسترس روبه‌رو شدند. همین امر بر اضطراب کاربران و گسترش شایعات افزود.

با توجه به نبود پاسخ رسمی از سوی گروه انتخاب، کارشناسان حوزه فناوری توصیه کردند که تلویزیون‌های اسنوا و دوو فعلاً از اینترنت قطع شوند تا دستگاه به‌طور خودکار

فناوری

بحران پاسخگویی

هزاران دارنده تلویزیون‌های اسنوا و دوو با اختلال گسترده مواجه شدند اما گروه انتخاب پاسخی به مردم نداده است

گروه اجتماعی: مجید مقدری، کارشناس رسمی فناوری اطلاعات و جرائم رایانه‌ای در این باره به سازندگی می‌گوید: در حال حاضر تعدادی از خبرگزاری‌ها این اختلال را منتشر کرده‌اند اما هیچ اطلاعیه رسمی و تایید شده‌ای از سوی شرکت اسنوا در این زمینه وجود ندارد. به همین دلیل، ما به این شایعات از نظر امنیت سایبری بسیار جدی نگاه نمی‌کنیم تا زمانی که تایید نشده باشد. چراکه در این‌گونه موارد، سابقه نشان داده که انتشار شایعات می‌تواند خطرات زیادی را به همراه داشته باشد. به عنوان مثال، وقتی که بانک‌هایی مانند بانک ملت، بانک سپه یا بانک صادرات دچار اختلالات امنیتی شده‌اند، هیچ‌کدام از این بانک‌ها رسماً اعلام نکردند که هک شده‌اند یا اطلاعات کاربرانشان دزدیده شده است. دلیل این امر این است که «هک» به خودی خود، واژه‌ای ترسناک است و می‌تواند باعث افت شدید اعتبار سازمان‌ها شود و شاید حتی نتوانند به فعالیت‌های خود ادامه دهند. در واقع یک هک می‌تواند به قدری آسیب‌زننده باشد که ممکن است، سازمان مورد نظر ورشکسته شود. او ادامه می‌دهد: مسا در حال حاضر اطلاعات دقیقی از این حادثه نداریم. اما آنچه که از سوی یکی از مراکز تعمیرات اسنوا گزارش شده این است که مشکل به دلیل ارسال و دریافت سیگنال توسط گیرنده داخلی تلویزیون‌ها به وجود آمده است. طبق این گزارش سیستم عامل تلویزیون‌ها به دلیل این مشکل از کار افتاده است. اگر این موضوع حقیقت داشته باشد احتمالاً مشکل به یک اشتباه سیگنالی از طرف تأمین‌کننده خارجی یا نحوه مدیریت به‌روزرسانی‌ها برمی‌گردد. اما در نهایت؛ دو احتمال اصلی وجود دارد: اول اینکه یک سیگنال بدافزار یا اشتباه در به‌روزرسانی سیستم‌عامل باعث ایجاد اختلال شده باشد و دوم اینکه مشکلات ناشی از اختلافات مالی با تأمین‌کننده چینی عامل ایجاد اختلال در تلویزیون‌ها بوده باشد.

به‌روزرسانی نکند و از کار نیفتد. کاربران در پیام‌های منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی بر وقوع همزمان این مشکل در چندین مدل اشاره داشتند. برخی نوشتند تمام تلویزیون‌های اسنوا از کار افتاده و سیستم‌عامل بالا نمی‌آید و هیچ آموزش یا فایل پشتیبانی برای بازگشت به حالت پیش‌فرض وجود ندارد.

روایت‌ها چه می‌گویند؟

در غیاب اطلاعیه فوری، دو روایت عمده در فضای رسانه‌ای مطرح شد. نخستین روایت بر حمله سایبری یا انتشار بدافزار تأکید داشت و روایت دوم، ریشه مشکل را در اختلاف مالی و تجاری بین گروه انتخاب و شریک چینی آن می‌دانست. برخی کارشناسان معتقد بودند، احتمال دارد تلویزیون‌های هوشمند دو برند از طریق یک به‌روزرسانی نشأت می‌گرفت که همه چیز پس از نمایش پیام به‌روزرسانی آغاز شد و دستگاه‌ها عملاً قفل شدند. در گزارش سایت سیتنا، به نقل از بعضی کارشناسان حوزه فناوری، مطرح شد که ممکن است حمله‌ای از طریق به‌روزرسانی سیستم-عامل باعث قفل شدن دستگاه‌ها شده باشد. با توجه به سابقه افشاگری‌های مختلف درباره جاسوسی تلویزیون‌های هوشمند دیگر برندها این فرضیه مورد توجه کاربران قرار گرفت. اگر چنین سناریویی درست باشد، نشان‌دهنده وجود آسیب‌پذیری جدی در زیرساخت آبدیت و نبود مکانیسم امنی برای تایید اصالت فایل‌های به‌روزرسانی است. با این حال تا زمان انتشار این گزارش هیچ نهاد رسمی احتمال حمله سایبری را تایید نکرده است.

فرضیه اختلاف مالی و فشار تجاری

روایت دوم از جانب منابع نزدیک به شرکت انتخاب و فعالان حوزه لوازم خانگی مطرح شد. در این روایت، علت اصلی نه یک حمله سایبری بلکه اختلاف مالی و تجاری بین گروه انتخاب و شرکت چینی تأمین‌کننده عنوان شده است.

بر اساس گزارش گجت‌نیوز به نظر می‌رسد، گروه انتخاب به برخی از تعهدات مالی خود در برابر شرکت چینی عمل نکرده و به همین دلیل آن شرکت با ارسال یک به‌روزرسانی اجباری، دسترسی تلویزیون‌ها را در ایران مختل کرده است. این گزارش همچنین اشاره می‌کند که گروه انتخاب برای جلوگیری از این اقدام قصد داشت، سرورهای به‌روزرسانی را در چین مسدود کند اما وزارت ارتباطات همکاری لازم را انجام نداده است. گزارش سیتنا نیز ضمن اشاره به این احتمال می‌نویسد، برخی شنیده‌ها حاکی از آن است که طرف چینی به دلیل عدم انجام تعهدات مالی توسط شریک ایرانی یک به‌روزرسانی اجباری ارسال کرده که باعث اختلال شده است. این سایت تأکید می‌کند، ادعاهای فوق هنوز از سوی منابع رسمی تأیید یا تکذیب نشده‌اند و باید منتظر اطلاعیه شرکت انتخاب بود. تجربه وابستگی به تأمین‌کننده خارجی در تولید تلویزیون‌های ایرانی، مسأله‌ای تازه نیست. بسیاری از برندهای داخلی از پنل‌ها و قطعات تا نرم‌افزار و لانچر وابسته به شرکت‌های چینی هستند. اگر رابطه تجاری با تأمین‌کننده‌ای مثل KTC به درستی مدیریت نشود، بروز چنین بحران‌هایی محتمل است. روایت اختلاف مالی همچنین با گفته‌های کارشناسانی همخوانی دارد که اعتقاد دارند، توسعه لانچر بومی توسط طرف ایرانی و قطع همکاری با تأمین‌کننده چینی باعث شد تا شرکت خارجی برای تحت فشار قرار دادن شریک ایرانی از اختیارات خود سوء استفاده کند. البته اطلاعات کامل در این باره در منابع در دسترس نیست و نیازمند شفاف‌سازی رسمی است.

پاسخ و اقدامات رسمی

پس از چند روز سکوت و انتشار شایعات، روابط عمومی گروه انتخاب سرانجام در اطلاعیه‌ای اعلام کرد، مشکل تلویزیون‌های هوشمند اسنوا و دوو یک مسأله فنی است و حداکثر طی ۲۴ ساعت آینده برطرف خواهد شد. در همین اطلاعیه به کاربران اطمینان داده شد که نگران سخت‌افزار و نرم‌افزار دستگاه نباشند. خبرگزاری میزان نیز به نقل از روابط عمومی گروه انتخاب نوشت که مشکل پیش آمده برای تلویزیون‌های اسنوا و دوو فنی است و تا ساعات آینده رفع می‌شود. این خبرگزاری تأکید می‌کند که گروه انتخاب از صاحبان تلویزیون‌ها خواسته نگران سخت‌افزار و نرم‌افزار نباشند. در کنار این اطلاعیه‌ها، سیتنا از قول محمدیاسر طیب‌نیا، مدیرعامل جدید گروه انتخاب، گزارش داد که همکاران وی در حال آماده‌سازی اطلاعیه‌ای جامع هستند که پاسخ تمامی سوالات در آن اعلام خواهد شد. وی وعده داد این اطلاعیه تا ظهر سه‌شنبه هفتم مرداد منتشر می‌شود. با این وجود، زمان انتشار اطلاعیه به تعویق افتاد و هنوز جزئیات دقیقی از پشت پرده بحران ارائه نشده است. هم‌زمان سیتنا خبر داد که گروه انتخاب در بحبوحه بحران دست به تغییرات مدیریتی زده و محمدیاسر طیب‌نیا را به عنوان مدیرعامل گروه توسعه سرمایه‌گذاری انتخاب منصوب کرده است. بحران خاموشی تلویزیون‌های اسنوا و دوو علاوه بر ایجاد سردرگمی میان کاربران، سوالات جدی در خصوص امنیت سایبری و نحوه مدیریت روابط تجاری با تأمین‌کنندگان خارجی مطرح کرده است. شرکت انتخاب باید هر چه سریع‌تر و به‌طور شفاف علت دقیق این اختلال را مشخص کرده و اقدامات اصلاحی و پیشگیرانه لازم را برای جلب اعتماد مشتریان انجام دهد.

قضایی

حکم قصاص

قاتل الهه به قصاص نفس محکوم شد

در پی جنایت هولناک قتل الهه حسین‌نژاد، پرونده به‌طور ویژه در دستور کار دستگاه قضایی قرار گرفت. رئیس کل دادگستری استان تهران اعلام کرد که تحقیقات در این پرونده با دقت و رعایت تمامی مسائل فنی و کارشناسی صورت گرفته است و در روزهای اخیر، دادگاه رسیدگی به پرونده در شعبه ویژه دادگاه کیفری یک استان تهران برگزار شد. پس از پایان مراحل رسیدگی و بررسی اظهارات متناقض متهم، حکم قصاص نفس برای وی صادر شد. طبق قوانین ایران، این حکم ظرف ۲۰ روز قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور است. در نخستین جلسه دادگاه، متهم با حضور در جایگاه دفاعیه، ابتدا هیچ دفاعی نداشت اما سپس در حالی که ادعا کرد قصد قتل نداشته، گفت که این حادثه در حالت عصبانیت و جنون لحظه‌ای رخ داده است. به گفته متهم، در روز حادثه، الهه را به‌عنوان مسافر سوار کرده و پس از مشاجره به علت گوش دادن ویس‌های نامزد مقتول دچار عصبانیت شده و دو ضربه چاقو به او زده است. با این حال بررسی پزشکی قانونی نشان می‌دهد که تعداد ضربات به حداقل ۶ عدد رسید که نشان می‌دهد این اقدام به‌هیچ‌وجه یک حادثه تصادفی نبوده است. متهم در ادامه به سوالات قاضی درباره علت مخفی کردن جسد پاسخ داد و گفت که به دلیل ترس از عواقب قتل، جسد را در پیاپیان رها کرده است. او همچنین ادعا کرد که چاقو را از محل کار شوهرخواهرش برداشته و در خودرو نگه داشته بود. این اظهارات ضدوتقیض و غیرمستند باعث شد که وکیل اولیای دم خواستار اجرای حکم قصاص در ملأعام شود. وکیل مدافع متهم نیز درخواست بررسی سلامت روانی موکلش را مطرح کرد و مدعی شد که او تحت فشار روانی مرتکب جرم شده است. در نهایت، قاضی با اخذ دفاعیات متهم و وکلای دو طرف، رأی خود را صادر کرد و حکم قصاص نفس برای قاتل الهه حسین‌نژاد صادر شد. این پرونده یکی از مواردی است که نشان می‌دهد در شرایط جنون لحظه‌ای یا عصبانیت شدید، واکنش‌های غیرقابل پیش‌بینی و خطرناک می‌تواند منجر به تراژدی‌های انسانی شود.



سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاست‌گذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقتناعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آیین‌فر • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



ادامه جمعه ۲۶ بهمن

انفجار یک تانک اسرائیلی

به نظر می‌رسد، اقدامات انفعالی دوم خرداد‌ها در مقابل آمریکا، کم‌کم مشکل‌زا می‌شود و اعتبار انقلابی ایران را نیز مخدوش می‌کند. مسأله بازداشت ۱۵۰ نفر از افراد طالبان و القاعده که از طریق ایران از افغانستان و پاکستان فرار می‌کنند و اعلام آمادگی تحویل آنها به دولت‌شان هم از همین قبیل است که با سیاست شورای عالی امنیت ملی، اقدام می‌شود.

دکتر [حسن] روحانی، [دبیر شورای عالی امنیت ملی] دیشب گفت، رهبری از این اقدام رضایت قلبی ندارند و آن را برخلاف مقاد مصوبات شورای عالی امنیت ملی می‌دانند که گفته است، اگر خطری اینها را تهدید می‌کند نباید تحویل بشوند.

مجاهدان بریگاد صلاح‌الدین فلسطین به تلافی کشتار ۷ فلسطینی توسط اسرائیل، دیشب یک تانک اسرائیل را منفجر کردند و جمعی از سربازان اسرائیل را کشتند. بعضی از شخصیت‌های فلسطینی با [یاسر] عرفات، [رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین] به خاطر سازشکاری‌ها درگیر شده‌اند.

رسانه‌های چپ داخلی و رسانه‌های غربی و بیگانه، سروصدای زیادی در خصوص احضار چند نفر از نویسندگان روزنامه‌های هنری به [سازمان] بازرسی کل کشور و اداره اماکن عمومی به اتهام ترویج فساد اخلاقی به راه انداخته‌اند.

وزارت امور خارجه آمریکا تحت تأثیر مشاهده حضور وسیع و یکپارچه مردم ایران در راهپیمایی ۲۲ بهمن و هماهنگی جناح‌های سیاسی، عقبگرد کرده و بیشتر تهدیدها را متوجه عراق و کره شمالی نموده و برای مذاکره با ایران اظهار تمایل می‌کند؛ چیزی که در تمام ۲۲ سال گذشته، می‌خواسته و به دست نیاورده و اکنون با سیاست هویج و چماق، آن را پیگیری می‌کند. به رغم یکپارچگی جناح‌ها در روزهای اول تهدید جورج بوش، کم‌کم برخوردهای تفرقه‌انگیز جناح‌ها اوج می‌گیرد. این بار مسأله تهمت به جناح راست که می‌خواهد تهدید خارجی را عمده کنند برای اقدام به انسداد سیاسی و اتهام به جناح چپ که با منفی‌خوانی‌شان علیه انقلاب و نظام، باعث گستاخی ضدانقلاب و آمریکا شده‌اند.

تمام وقت در خانه بودم. بیشتر وقت به آماده‌سازی [کتاب کارنامه و] خاطرات سال ۱۳۶۲ [= آرامش و چالش] برای انتشار و مطالعه اندیشه سیاسی خواجه نصیرالدین طوسی و محقق گذشت. شب آقای [حسین] مرعشی، نماینده کرمان آمد و از مزاحمت‌های [سازمان] بازرسی کل کشور در استان‌ها گفت و نیز از ضعف [آقای طهماسب مظاهری] وزیر اقتصاد و [آقای محمد ستاری‌فر] رئیس سازمان برنامه و بودجه و اشکال مهم مصوبه اخیر مجلس برای تأمین کسر بودجه دولت که عملاً نیازهای دولت را تأمین نمی‌کند و ناچارند از رهبری اجازه بگیرند.

دادگاه [اسلوودان] میلوشویچ، [رئیس‌جمهور سابق صربستان] در لاهه به اتهام جنایات جنگی آغاز شد. میلوشویچ در صحبت‌های خود، حملات شدیدی به آمریکا و غرب دارد و آنها را جنایتکارهای اصلی و دادگاه را غیرقانونی می‌داند.

دادگاهی در هلند، حق بلژیک را برای محاکمه مقامات رسمی کشورهای دیگر، غیرقانونی دانسته است. بلژیک از سال ۱۹۹۳ قانونی گذراند که بتواند افراد خارجی را در بلژیک به جرمی که در کشورشان مرتکب شده‌اند، محاکمه کند و هم‌اکنون [آریل] شارون، [نخست‌وزیر اسرائیل] به جرم جنایت در [اردوگاه‌های] صبرا و شتیلا تحت محاکمه است و شاید این تصمیم لاهه برای نجات شارون است.

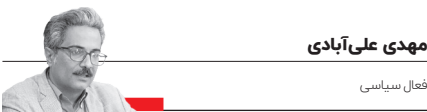
ناصر اخوی‌زاده برای خداحافظی آمد. عازم سفر مکه است. حساب سالش را کرد و برای خمس، چیزی بدهکار نشد.

تقویم: یک سال از ترور هنیه گذشت

یک سال از ترور اسماعیل هنیه گذشت. اتفاقی تروریستی که پس از مراسم تنفیذ مسعود پزشکیان انجام شد و او و دولتش را ناگهان وارد یک چالش امنیتی کرد. هنیه، رئیس دفتر سیاسی و یکی از رهبران حماس بود که در ساعت ۱:۳۷ پامداد ۱۰ مرداد ۱۴۰۳ به همراه محافظ شخصی خود در تهران، پایتخت ایران، توسط اسرئیل ترور شد. به گزارش نیویورک تایمز، هنیه در مهمانسرای در محوطه نشاط در شمال غربی کاخ سعدآباد اقامت داشت. ترور اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس، نقطه آغازین زنجیره‌ای از تحولات امنیتی و سیاسی در منطقه شد که به‌سرعت دامنه آن به داخل ایران و جنگ ۱۲ روزه نیز کشیده شد. این ترور، واکنش‌های تند گروه‌های محور مقاومت را برانگیخت و فضای افکار عمومی ایران را نیز تحت تأثیر قرار داد. زیرا میهمان ایران، هدف قرار گرفته بود. در پی آن «وعده صادق دو» انجام شد. این حمله دو ماه بعد از ترور هنیه و شهادت سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله و عباس نیلغروشان، معاون عملیات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجام شد.

پایان عصر نادرها

جامعه امروز ایران خود را شایسته‌ی دموکراسی لیبرال می‌داند



مهدی علی‌آبادی

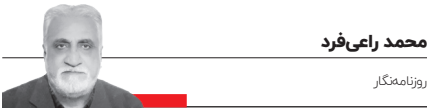
فعال سیاسی

طبقه متوسط شهری ایران، پس از ۲۸ سال آزمون و خطا دیگر منتظر منجی نیست. آنان به بلوغی رسیده‌اند که خود سرنوشت خود را تعیین کنند؛ با عقل، نه اسطوره. از عصر مشروطه تا امروز، جامعه ایران همواره میان دو قطب «امید به اصلاح» و «هراس از آشوب» در نوسان بوده است. تجربه‌های تاریخی از جنبش مشروطه تا ملی شدن نفت از انقلاب ۵۷ تا دوم خرداد ۷۶ نشان می‌دهد که ایرانیان همواره در پی نظمی عقلانی و برآمده از اراده جمعی بوده‌اند اما این خواست به‌کرات از بین رفت. هر بار که سازوکار گفت‌وگوی سیاسی نهادینه نشد، جامعه یا در خود فرورفت یا در جست‌وجوی نجاتی از بیرون برآمد. در این بستر است که چهره‌های منجی‌گونه بر صحنه آمده‌اند؛ اما اکنون به نظر می‌رسد یک تغییراتی در حال وقوع است.

ما نمی‌توانیم ادعا کنیم که کل جامعه ایران از این دگرگونی عبور کرده اما طبقه متوسط شهری، همان طبقه‌ای که از دوم خرداد ۷۶ در صحنه سیاست و جامعه ظاهر شد پس از نزدیک به سه دهه به مرحله‌ای از بلوغ رسیده که دیگر به نادرها نیاز ندارد. این طبقه، که اکنون در سراسر ایران از تهران تا رشت، از اصفهان تا شیراز، از مشهد تا تبریز و حتی شهرهای کوچک‌تر پراکنده شده، یاد گرفته است که

دیدگاه: یادداشت وارده

عنصر حیاتی کشور



محمد رازی‌فرد

روزنامه‌نگار

سرمایه اجتماعی و پشتیبانی آن از حاکمیت چه در چهره دولت و چه در رخ مجلس و یا قوه قضاییه همان مردمی هستند که سالیان سال و دهه‌هاست که در انتظار ورود به شرایط بسیار بهتر بوم‌زیست خود بوده و هستند، دولت‌ها آمدند و رفتند و هریک با انگیزه‌ای و به‌اصطلاح برنامه‌ای که در آن توسعه ریل حرکت روبه جلو بوده، هست اما چرا و به چه دلایلی ما نتوانستیم از این سرمایه عظیم و لایزال برون‌رفتگی مناسب را برنامه‌ریزی کنیم؟ چرا نتوانستیم و یا نخواستیم که از این موتور محرک و پر قدرت استفاده حداکتری کنیم؟ دلایل بسیار زیادی را باید برشمرد تا به چرایی آن برسیم.

اول اینکه این دیار مردمی را در خود جای داده که باید سانت به سانت این مرز جغرافیایی را از آن خود بدانند، آنان با هر

راه‌حل‌های بالا به پایین، قهرمان‌محور و نجات‌بخش، نه‌تنها پاسخ نیستند بلکه خود بخشی از مساله‌اند. این بلوغ، ناگهانی به‌دست نیامده است. ثمره رنج، شکست، یأس و تجربه زیسته است. طبقه متوسط ایرانی در این سال‌ها درس‌های سختی گرفته است. آموخته است که آزادی بدون نهاد دوام نمی‌آورد و توسعه بدون مشارکت همگانی، متوقف می‌شود. آموخته است که فرهنگ سیاسی باید بر مبنای تعقل، گفت‌وگو و پذیرش تکرر بنا شود؛ نه بر پایه احساسات زودگذر، شعارهای تند و اسطوره‌سازی از نجات‌دهندگان.

این جامعه، امروز بیش از هر زمان دیگر، خود را شایسته دموکراسی لیبرال می‌داند. نه دموکراسی صرفاً به‌مثابه رأی دادن دوره‌ای بلکه به‌مثابه شیوه‌ای از زیست‌جمعی که در آن قانون فصل‌الخطاب است، کرامت انسانی محور گفت‌وگوست، حقوق اقلیت‌ها رعایت می‌شود و نهادهای مدنی قدرت چانه‌زنی با ساختار رسمی را دارند. چنین درکی نیازمند ذهنی خودآگاه است؛ ذهنی که جامعه ایرانی به‌ویژه در طبقه متوسط، آرام‌آرام در حال دستیابی به آن است.

از سوی دیگر، فرهنگ سیاسی ایرانی نیز دستخوش تغییر شده است. همان جامعه‌ای که زمانی مشتاق چهره‌های کاریزماتیک بود، امروز از آنها پرهیز می‌کند. از چهره‌هایی که مدام وعده‌های بزرگ می‌دهند اما زیرساخت‌های گفت‌وگو را نابود می‌کنند، خسته است. به جای آن، مطالبه «پاسخ‌گویی»، «شفافیت»، «تعدد صداها» و «کنترل قدرت» بر زبان آمده

ایده، مذهب، نگاه و فرهنگی ریشه در این خاک دارند.

دوم اینکه باید این موتور پیش‌ران را به رسمیت شناخت و خواسته‌های حداقلی آنان را برآورده کرد و به آنان بدون منت زندگی در آرامش و آسایش را هبه کرد.

سوم اینکه از ضریب دست‌بندی خودی و غیرخودی و این تفکر سمی به شدت دوری کرد چراکه این آب و خاک را تمام مردمش پاس می‌دارند و نه فقط گروه و عده‌ای خاص. چهارم اینکه انسجام مردم و جامعه در گرو اعتماد آنان به کل حاکمیت است، اعتماد فقط یک کلمه نیست بلکه مجموعه مدیریت‌های کلانی است که مردم را در کنار هم نگاه می‌دارد، همه برای ایران و ایران برای همه است.

پنجم اینکه اتفاقات اخیر و پازل‌هایی که در سطح جامعه جا نمی‌افتند تا نقشه آن را کامل کنند یکی از خطرانی است که به شدت دیوار اعتماد را تخریب و هر طرحی را ابتر می‌کند. مردم هنوز تغییر در نگاه و عملکرد مدیران سطوح بالایی، میانسی و پایینی را ندیده‌اند و این تاخیر در باز کردن قفل زنگ‌زده اعتماد بلاشک می‌تواند پاشنه آشیل باشد.

است. این نشان می‌دهد که جامعه، دست‌کم در بخش‌هایی از خود، دیگر نه فقط خواهان تغییر سیاستمداران بلکه خواهان تغییر منطق سیاست‌ورزی است.

ما به نقطه‌ای رسیده‌ایم که مساله اصلی گذار از منطق نجات‌محور به منطق نهادمحور است. این یعنی عبور از چرخه تاریخی‌ای که در آن، بحران می‌رسید، فردی قهرمان می‌شد، ساختاری دگرگون می‌گشت و سرانجام دوباره همه‌چیز به نقطه اول بازمی‌گشت.

جامعه‌ای که به نهاد ایمان می‌آورد، دیگر فریب نجات‌دهنده را نمی‌خورد. جامعه‌ای که بر کرامت فردی و قانون استوار شود، دیگر نیازی به سرنیزه ندارد. آری، هنوز مسیر دشوار است. هنوز صداها ی خشونت‌ورز، انحصارطلب و منجی‌طلب در فضای سیاسی شنیده می‌شود. اما تفاوت امروز در آن است که یک بخش مهم از جامعه، دیگر حاضر نیست بازی گذشته را تکرار کند. آنان نه اهل شورش‌اند، نه مشتاق مهاجرت دسته‌جمعی؛ بلکه خواهان ساختن آینده‌ای هستند که در آن عقل بر هیجان، گفت‌وگو بر توقف، و نهاد بر نجات مقدم باشد. جامعه ایران، امروز عقلانیت می‌طلبد. ایران دیگر نادر نمی‌خواهد؛ نهاد می‌خواهد. اگر شنیده شود و اگر مجال یابد، جامعه نشان خواهد داد که نه‌تنها لیاقت دموکراسی را دارد بلکه می‌تواند الگویی نو برای منطقه و فراتر از آن باشد. این بار، امید از جنس شعار نیست؛ از جنس فهم است و آنکه می‌فهمد به‌سوی آزادی گام برمی‌دارد.

ششم اینکه باید از خودمحوری و منیت‌ها و ساده‌اندیشی‌ها و ساده‌نگاری‌ها به شدت پرهیز کرد تا سرمایه اجتماعی عظیم داخلی به ضد خودش تبدیل نشود.

ما هنوز اندر خم یک کوچه‌ایم بدون آنکه هفت شهر عشق را پیمایش کنیم، مردم هنوز آموزش‌های اولیه اجتماعی را نیاموخته‌اند تا درک مناسبی از صرفه‌جویی در تمام زمینه‌ها را بیاموزند اما آقایان انتظار دارند که با حرف‌درمانی و شعار دادن در این بحران نابودگر انرژی و آب مردم تا کمر در مقابلشان خم شوند و امر بر باشند. نگاه مردم در غربت اعتماد عمومی این است که دولت برای فروش پمپ آب و مخازن ذخیره آب دست به بازی کمبود آب شرب زده است، این مثال و هزاران مثال دیگر مبین این واقعیت است که ما به راحتی آب خوردنی که برای کمبودش مرثیه می‌خوانیم از حرف زدن با مردم و بنای جدید اعتمادسازی هم زبان، هم نگاه و هم عمل الکنی داریم.

کارهایی که با برنامه‌ریزی تخصصی باید در دهه‌های پیش انجام می‌دادیم در بدترین شرایط اقلیمی و ورشکستگی در انرژی‌های مختلف اینک تسلسل‌وار از مردم انتظار داریم که به انجامش برسانند. ما هیچ‌گاه نتوانستیم قدر سرمایه‌های اجتماعی‌مان را بدانیم و به ثمن بخش بر آنها چوب حراج زدیم تا اینک بمانیم که چه باید بکنیم.